روزنامه سرخاب

چهارشنبه یکم آذر ماه ۱۴۰۲ ■ ۸ جمادی الاول ۱۴۴۵ ■ ۲۲ نوامبر ۲۰۲۳ ■ سال هفدهم ■ شماره ۴۵۶۳ ■ ۸ صفحه ■ ۱۰ هزار تومان

http://www.sorkhab.ir

ISSN2008 - 1014

مسعود پزشکیان:

جوابی به اعتراضم نداده‌اند، تایید نکنند می‌روم طبابتم را می‌کنم

۲

محمد مهاجری:

همه نامزدهای اصلاح طلب را تایید صلاحیت کنید و بهانه را از آنها بگیرید

۲

بازار داغ کلنگی‌ها

گرم برای احتکار سرد برای ساخت‌وساز

طبق آمار رسمی سهم خرید خانه‌های کلنگی در بازار مسکن افزایش یافته است اما با بررسی دقیق‌تر روشن می‌شود این خانه‌ها به منظور تأمین زمین برای ساخت‌وساز خریداری نمی‌شود. طبق آمار رسمی سهم خرید خانه‌های کلنگی در بازار مسکن افزایش یافته است

صفحه ۵

عکس: آرشیو - سرخاب

سرخط خبرها

افشاگری درباره صادق محصولی و «حلقه ارومیه»

۲

«جواد احسان»: مردی که برق تبریز مدیون اوست

۴

۱۳ نقطه پرتصادف آذربایجان در انتظار رفع

۳

افزایش سن بازنشستگی، دستپخت چه کسانی است؟

۲

تیتر وار

گل بود و به سبزه نیز آراسته شد!

در روزهایی که بسیاری از خیابان‌ها و معابر اصلی سطح شهر تبریز مثلا برای آسفالت ریزی زیر و رو شده و شهروندان ساعت‌ها در ترافیک پشت این پروژه‌ها علاف و اسیر می‌مانند، حفاظت محیط زیست اعلام کرده آسفالت‌ریزی خیابان‌ها ممنوع می‌شود

۳

سکوت رئیسی شایسته نبود

غلامعلی رجایی با اشاره به ردصلاحیت‌ها گفت: به‌نظرم آقای رئیسی در این قضیه سکوت ناشایستی کرد و توقع می‌رفت وقتی در نظرسنجی‌ها متوجه ردصلاحیت‌ها شد خصوصا برای افرادی که در مجلس مثمرثمر بوده‌اند و سابقه ارزشی و انقلابی داشتند دخالت کند

۴

چرا بنزین را به کد ملی ندهیم؟

نماینده پیشین مجلس گفت: ما منابعی داریم که باید بتوانیم آن را مدیریت کنیم، باید پالایشگاه احداث کنیم و به جای خام‌فروشی نفت ایجاد ارزش افزوده کرده و بنزین را صادر کنیم نه اینکه با تعریف پروژه‌های بدون پشتوانه و با آزمون و خطا؛ فقط محل مصرف جدید در کشور ایجاد کرده و به مصرف بیشتر سوخت دامن بزنیم

۵

حرف اول

«صفرها» مسئولیت‌پذیر نیستند!

علی زاده حسین

سخنان عجیب معاون اجرایی محترم رئیس جمهور درباره نوع رابطه دولت با رهبری چنانکه قابل پیش بینی بود با واکنش به موقع عضو دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب مواجه شد و مانند نمونه قبلی چنین اظهارات شاذ و انحرافی درباره نقش مردم در کشور پاسخ درخوری گرفت.

تکرار چنین مضامینی شاید بر حسب تصادف رخ داده باشد اما در هر صورت نمی توان منکر تاثیر منفی آن بر افکار عمومی شد و این بی مبالاتی در سخن گفتن را نادیده گرفت. این قبیل اظهارات هر چند ممکن است گویای نوعی عاطفه و احساسات درونی افراد نسبت به رهبری تلقی شود اما یقینا نمی تواند مبنایی برای ساماندهی و اداره کشور باشد و دربردارنده تالی‌های فاسد متعدد است.

به فرض صحت این قبیل تلقی‌ها از رابطه دولت با رهبری، نقش و مسئولیت دولت که بنابر اراده مردم مقدرات کشور به طور مستقیم در اختیار آن است چه می‌شود؟! اگر دولت صفر باشد و گوش به فرمان رهبری و به تعبیر زننده معاون محترم رئیس جمهور نوکر رهبری، یعنی هیچ کاره است و در تمام تصمیم گیری‌ها به رهبری مراجعه می‌کند! ناگفته معلوم است که چنین تصوری نه بهره ای از واقعیت دولت‌ها در جمهوری اسلامی دارد و نه سازگاری با قانون اساسی و نه منطقا قابل دفاع است. بر اساس قانون اساسی رهبری مطلق العنان نیست که نوکر داشته باشد و دولت هم اختیارات وسیعی در تصویب و اجرای برنامه‌های خود دارد. ...

ادامه در صفحه دو

یادداشت

یک ماجرای واقعی

آقای وزیر آموزش و پرورش! بگویید دنبال قاتل «بروس‌لی» نگردند!

آقای وزیر آموزش و پرورش! بگویید دنبال قاتل «بروس‌لی» نگردند!

عصر ایران؛ سروش بامداد- سیستم آموزش و پرورش ایران -و نه هرگز خدای ناکرده مدیران و شاغلان بسیار شریف آن- ساختاری جداافتاده از واقعیت‌های جامعه ایران و غرقه در ذهنیات و ضوابط انتزاعی خود است و این واقعیت، توصیف یک ماشین اداری است که قدرت تصمیم‌گیری مستقل را از انسان‌ها سلب می‌کند و آنها را وامی‌دارد به پیچ و مهره‌های این ماشین فرسوده بدل شوند.

یک ماجرای کاملا واقعی را به عنوان شاهد نقل می‌کنم تا ببینید چه خبر است. خانم جوانی فرزند حاصل از ازدواج موقت خود با مردی مجهول را گردن مادر گرفتار و سرپرست خانوار خود می‌اندازد و خود در دست‌رس نیست.

کودک بی‌حمایت پدر و مهر مادر در آغوش مادربزرگ به ۵ سالگی می‌رسد در حالی که هنوز هویت و شناسنامه ندارد و تلاش برای یافتن پدر به نتیجه نمی‌رسد.

فردی را به گمان ابوت فرامی‌خوانند ولی نتیجه آزمایش دی‌ان‌ای هم معما را حل نمی‌کند. در نهایت با مساعدت و نظر مساعد چند قاضی بسیار شریف و انسان دوست و در ۷ سالگی کودک برای او شناسنامه صادر می‌شود. در حالی که قاعدتا فاقد نام پدر است منتها برای این که بچه انگشت‌نما نشود نامی صوری برای او تعیین می‌کنند اما طبعا شماره ملی ندارد.

قیمومت موقت را هم به مادربزرگ می‌سپارند. مادربزرگی که رای قاضی برای انتقال کودک به بهزیستی را هم دارد ولی این هزینه را به دولت تحمیل و از سر فداکاری کودک را از خانواده محروم نمی‌کند.

مادربزرگ این کودک را برای ثبت نام به مدرسه می‌برد اما می‌گویند پدر یا «ولی» باید بیاید! خود او را به عنوان قیم نمی‌پذیرند مگر آن که قیم دایم شده باشد. در شهری که پل هوایی فلزی موقت آن ۴۰ سال عمر دارد و امام جمعه‌های موقت ۴۰ سال است خطبه می‌خوانند از مادربزرگ می‌خواهند الا و بلا زودازود برگه قیمومت دایم بیاورد و موقت را قبول نمی‌کنند در حالی که پروسه‌ای زمان‌بر است. شناسنامه را به مدیر مدرسه نشان می‌دهد تا ببینند پدری در کار نیست. در غیاب پدر برگه قیمومت موقت را تنها برای ۱۵ روز حضور در مدرسه می‌پذیرند ولی در سامانه ثبت نمی‌کنند. این در حالی است که حسب الامر مقام معظم رهبری کودکان اتباع بیگانه هم که طبعا فاقد شناسنامه ایرانی و بعضا بدون هیچ برگه هویتی هستند در مدارس ثبت نام شده‌اند و این کودک شناسنامه ایرانی دارد. یعنی ایرانی است. معنی ایرانی مگر چیست؟ برای اثبات ایرانی بودن جز شناسنامه چه مدرکی باید ارایه داد؟

اما چرا این سیستم اسیر مناسبات خشک اداری است؟ چون درک نمی‌کند اگر پدر این بچه مشخص بود که نیاز به این همه دوندگی در دادگاه‌ها برای سپردن قیمومت به مادربزرگ و الزام به صدور شناسنامه با حکم قاضی نبود!

از ثبت نام یک کودک ایرانی ۷ ساله که قاعدتا باید پارسال کلاس اول را می‌گذراند (چون متولد نیمه اول سال ۹۵ است) و دو ماه از سال جدید تحصیلی را هم از دست داده خودداری می‌کنند و سنگ می‌اندازند و به جای توجه به کودکی که حی و حاضر روپوش مدرسه پوشیده و با حسرت به هم سن و سالان خود می‌نگرد دنبال قاتل بروس‌لی می‌گردند!

این نوشته برای این است که بگوییم: پدرجان! درست است که پدر این بچه مجهول است اما خودش معلوم است و شناسنامه دارد. حق تحصیل دارد و شهروند ایران است.

قاضی رای داده شناسنامه هم صادر شده و همه بر پایه این است که پدر او مشخص نیست و بر اساس نام خانوادگی مادر نام خانوادگی تعیین کرده‌اند. کدام قانون گناه پدر و مادر را - که شرعا هم گناهی مرتکب نشده‌اند - متوجه کودک می‌داند که شما می‌دانید؟

قضیه این قدر پیچیده است که قادر به درک آن نیستند؟! آیا رییس منطقه این قدر اختیار ندارد که دستور دهد؟ اگر اختیار ندارد چرا حقوق می‌گیرد؟ این بچه باید برود مدرسه یا نه؟ اگر مادربزرگ او را به بهزیستی بسپارد و هزینه آن بار دولت شود و روزی هم بگریزد و مرتکب خلافی شود و به دام باندهای فساد بیفتد خوب است؟

چرا ثبت نام نمی کنید؟ آقای وزیر بپرسید چرا ثبت نام نمی‌کنند؟ به پیر به پیغمبر پدرش را پیدا نکردند. چه کار کنند؟

آقای وزیر! بگویید دنبال قاتل بروس‌لی نگردند!

یادداشت

هولوکاست واقعی یا تکرار هولوکاست؟!

علی محمد حاضری

ماجرای هولو کاست که روایتگر جنایات آلمان نازی در مورد یهودیان است انباشته از داستان‌هایی در باره جنایات ضد انسانی علیه یهودیان است و البته روایت مشهور در این زمینه همان است که صهیونیست‌ها مروج آن هستند و اتفاقا این مورد از نمونه‌های منحصر بفردی است که تحقیق و تتبع در باره صحت و سقم و یا تردید درباره جزئیات آن جرم انگاری شده است و لاجرم همین روایت مشهور،مسلم انگاشته می‌شود و دنیای غرب در واقع حمایت بی قید و شرط از دولت اسراییل را برای خود نوعی ادای دین و جبران مافات در قبال شرمندگی ناشی از جنایات هولو کاست قلمداد می‌کند. گمان می‌رود آنچه امروز در باریکه غزه می‌گذرد و آنچه طی قریب ۸ دهه گذشته بر فلسطینیان مظلوم رفته است تکرار هولو کاست یا هولو کاستی فجیع تر است که این بار در ابعادی خشن تر بدست قربانیان هولوکاست اولیه و با حمایت عاملان همان هولوکاست در حال اجراست.

آنچه امروز در منظر چشم جهانیان و دوربین‌های رسانه‌های جهانی می‌گذرد و حمایت بی‌قید و شرط غالب کشورهای غربی از این جنایات و از همه بد تر بی‌عملی سازمان‌هایی که رسالت صلح بانی و تامین امنیت جهانی را بر عهده دارند در جریان هولو کاست اولیه،به هیچ وجه در چنین ابعادی وجود نداشته یا در جریان وقوع ان،این سطح از ناظر و مطلع و گزارشگر و ثبت کننده از وقوع آن ممکن نبوده است.

بی تردید حمله به بیمارستان‌ها،مدارس و، نقاط امنی که امنیت آنها زیر نظر سازمانهای بین المللی تضمین واعلام شده بود،به خطر انداختن جان بیماران و حتی نوزادان نارس و کادر پزشکی این بیمارستان‌ها جنایاتی

است که در هولو کاست اولیه نظیرش وجود نداشته است.

به گمان این حقیر،آنچه فراتر از جنایات هولناک در حال وقوع ،آینده جهان و بشریت را تهدید می‌کند پیامد نظری و اندیشه ای ناشی از بی‌عملی نهادهای بین المللی و مدعیان حقوق بشر است.

جهان بشریت امیدوار بود بعد از هزاران سال تجربه جنگ و خشونت در فقدان اندیشه‌ها و نهادهای بازدارنده از جنگ،از نیمه قرن بیستم و بعد از پشت سر گذاشتن یکی از خونبار ترین و فجیع ترین جنگهایی که در نیمه اول قرن بیستم توسط مدعیان پیشرفت و ترقی اتفاق افتاد،بشریت به سطحی از شعور و عقلانیت رسید که بتواند به سازو کارهایی برای پیشگیری از چنین خشونت ورزی‌هایی دست یابد.

و به این ترتیب،اصل بقای اصلح در پناه رقابت تسلیحاتی کارکرد گذشته خودرا از دست داده باشد و گفت و گو و تعامل گرایی و رقابت‌های برد برد جایگزین روشهای حذفی گذشته گردد. با فرض چنین دستاوردی، تفکر واندیشه‌های خشونت طلبی چون داعش و دیگر جریان‌هایی که اثبات حقانیت و اصالت خود را در پناه خشونت و کشتار مخالف دنبال می‌کردند برای همیشه اندیشه‌هایی واپسگرایانه و بدور از عقلانیت بحساب آید، اما تجربه اخیر مردم بی پناه غزه و بی عملی صلح بانان جهانی و بی اعتبار شدن مکانیسمهای مدنی در دفاع از حق وعدل ممکن است به اعتبار یابی مجدد ایده‌ی انسان گرگ انسان است دامن بزند و رقابت تسلیحاتی و خشونت گرایی توجیه شده یا موجه را به دکترین غالب وجالب تبدیل کند.بی تردید تداوم این بی‌عملی مدعیان حقوق بشر و نهادهای مدعی صلح بانی ممکن است به جاذبه چنین ایده‌ای دامن بزند و بر اندیشمندان عالم است که این خطر را جدی بگیرند و برای پرهیز از آن دست به کار شوند.

اگر نهادهای بین المللی نتوانند این جریان جنایت بار را متوقف کنند یقین بدانند خشم حاصله از چنین بی عملی، امید به صلح بانان جهانی را به کلی زایل نموده بستری مساعد برای توجیه خشونت و خشونت طلبی ایدئولوژیک فراهم خواهد آورد ونسل‌های فعلی وآینده بسیاری از مناطق جهان را در بر خواهد گرفت.

روزنامه سرخاب در شمال‌غرب کشور نماینده فعال می‌پذیرد

شماره تماس: ۹-۶۶۵۶۷۷۶۷-۰۲۱
۰۹۱۲۱۸۳۸۵۳۷

سازمان جذب آگهی‌ها

شماره تماس: ۳۵۵۵۳۵۳۸-۰۴۱
۰۹۳۹۳۰۴۳۵۱۰

ما به آینده فرهنگی شهرمان امیدواریم
شما چطور؟

HAMNAVA.IR

حقیقت پور: حریف خالص‌سازان می‌شویم اگر...

افشاگری درباره صادق محصولی و «حلقه ارومیه»

خالص‌سازان ۹۸ نفرند، اندازه ۲ اتوبوس

خبرآنلاین - فعال سیاسی اصولگرا می‌گوید: ما حریف خالص‌سازها هستیم به شرطی که مردم در انتخابات مشارکت کنند و آنها را پس بزنند.

صادق محصولی با حمایتش از روند خالص سازی بار دیگر خود، جبهه پایداری و حتی حلقه ارومیه را بر سر زبان‌ها انداخته است، از ثروت نجومی اش تا بازخوانی پاکسازی‌ها از سوی حلقه ارومیه.

صادق محصولی ثروت بی حد و حصر و املاک آنچنانی را از کجا آورده؟

منصور حقیقت‌پور، فعال سیاسی اصولگرا و نماینده اردبیل در مجلس نهم از تحرکات و قدرت‌گرفتن دوباره «حلقه ارومیه» سخن می‌گوید و تاکید دارد؛ این حلقه که تعدادشان به اندازه ۲ اتوبوس است، به مرور با افرادی در قم همراه شدند و اکنون با عنوان جبهه پایداری فعالیت می‌کنند و مهندسی خالص‌سازی را بر عهده دارند.»

او که با خبرگزاری خبرآنلاین گفتگو می‌کرد برای کنار زدن خالص سازها یک شرط مهم را مطرح می‌کند و تاکید می‌کند؛«امیدوارم شورای نگهبان به عنوان محل مقابله با ادبیات دیکتاتوری در مقابلشان ایستادگی کند.»

مشروح گفت‌وگو با منصور حقیقت‌پور را در ادامه بخوانید.

****

***آقای حقیقت‌پور؛ روند خالص‌سازی‌ها در کشور اوج گرفته است، نظر شما درباره نفوذ خالص‌سازها و مشخصا نقش جبهه پایداری و صادق محصولی در این پروژه چیست؟**

آقای محصولی ادعا دارد که خالص سازی یعنی شایسته سالاری اما ما مخالف این حرف و منطق هستیم. خالص سازی او، از همان مظلوم کردن حمید و مهدی باکری شروع شد و اتفاقا خود ایشان هم شروع کرد. خالص سازی مخالف عدالت است، یعنی افراد حلقه خاص یعنی حلقه ارومیه بر مملکت حاکم شوند، بقیه آدم‌ها هم هیچ.

خالص سازی کرامت انسان‌ها را هدف قرار داده است و می‌گوید انسان‌ها لیاقت و شایستگی هم داشته باشند ولی آدم ما نباشند در مدار مدیریت قرار نمی گیرند.

جبهه پایداری مهندس خالص‌سازی است

حلقه ای در مقطعی رویش کرده و طی سال‌های اخیر نیز در قالب جبهه پایداری خود را نشان داد و نمود پیدا کرده است، اینها اکنون مهندسی خالص‌سازی کشور را انجام می‌دهند. یعنی بر مراکز تولید ثروت خیمه زده و به نفع گروه و حزب خودشان چپاول می‌کنند و هر چه آدم عاقل، شایسته و فرهیخته را حذف کرده و به حاشیه می‌رانند؛ از اساتید دانشگاه گرفته تا شخصیت‌های سیاسی، افراد موثر فرهنگی و حتی در حوزه علمیه در حال خالص سازی هستند و بسیاری را کنار می‌گذارند.

روسای پتروشیمی‌ها همه دانشگاه صادقی‌اند، مگر کشور فقط یک دانشگاه دارد!

***به نظر شما پشتوانه این خالص‌سازی‌ها چیست و چه کسانی هستند؟ به نظر شما در دولت نفوذی دارند که چنین قدرتی گرفتند یا ...؟**

این جریان فکری یک حلقه در قم داشت و یک حلقه دیگر در ارومیه که در نهایت در جبهه پایداری به یکدیگر متصل شدند. با غفلت از حکمرانی این جریان، توانستند برخی نهادهای دولتی در کشور را در اختیار بگیرند و با تکیه بر این نهادهای دولتی سرانجام توانستند دولت، مجلس، صداوسیما، کیهان و نهادهای دیگر را در اختیار بگیرند و پشتوانه مالی نیز که دارند.

شما اسامی افرادی که در دوسال گذشته روسای پتروشیمی‌ها بودند را لیست کنید، می‌بینید که فارغ التحصیل کدام دانشگاه هستند. مگر این مملکت تنها یک دانشگاه دارد؟

نفوذ خالص سازها در صداوسیما، مجلس، دولت، شستا، صندوق بازنشستگی و ...

***منظورتان دانشگاه امام صادق است؟**

بله. اینها در شستا، صندوق بازنشستگی و جاهای مختلف خیمه زدند برای چه کسی تولید ثروت کردند؟ برای کدام جریان؟ برای این خالص سازها؟

خالص‌سازان ۹۸ نفرند، اندازه ۲ اتوبوس

***بنابراین معتقدید که نفوذشان فراتر از صرف دولت سیزدهم است؟**

بله، اینها در نهادهای مختلف نفوذ دارند. مجلس، دولت و صداوسیما در اختیارشان است. برخی نهادهای نظارتی است و نیز نهادهای دیگری که نام نمی برم. با تکیه بر اینها برنامه خالص سازی خود را جلو می‌برند. ۹۸ نفر یعنی دو اتوبوس در مقابل ۹۸ درصد جمعیت کشور ایستاده اند.

کوتوله‌های سیاسی و فرهنگی را در مملکت حاکم کردند

***یعنی تعدادشان همین است؟**

بله دو اتوبوس هستند. ۹۸ نفر در مقابل ۹۸ درصد. این خلاف عدالت، مروت و تمام ظرفیت‌های اخلاقی است که بخاطر منافع عده ای، کوتوله‌های سیاسی و فرهنگی در مملکت حاکم شوند و تمام مفاخر کشور را حذف کنند. چقدر فرهیخته داریم که در دانشگاهها و در حاشیه نشسته اند.

حریف خالص‌سازان می‌شویم، اگر...

***پیش بینی شما از آینده چیست؟ فکر می‌کنید جریانی برای مقابله با آنها از خود حاکمیت ورود می‌کند یا قدرت این جریان بیشتر خواهد شد؟**

ما حریف خالص‌سازها هستیم به شرطی که مردم در انتخابات مشارکت کنند و آنها را پس بزنند.

***با روند ردصلاحیت‌ها و دیگر عواملی که سبب کاهش مشارکت می‌شود، احتمال مشارکت مردم و پس زدن این جریان چقدر است؟**

من امیدوارم شورای نگهبان به عنوان محل مقابله با ادبیات دیکتاتوری در مقابلشان ایستادگی کند. شورای نگهبان با استوانه ای که عدالت مدارها باید به آن تکیه دهند، در مقابل اینها بایستد و این ۲۸ درصدی که به ناحق رد صلاحیت شدند را برگرداند.

***فکر می‌کنید این جریان در شورای نگهبان نفوذ دارد؟**

من به این موضوع ورود نمی کنم.

پزشکیان درباره ردصلاحیت بعد از ۴ دوره نمایندگی مجلس:

جوابی به اعتراضم نداده‌اند، تایید نکنند می‌روم طبابتم را می‌کنم

عصر ایران- مسعود پزشکیان نماینده مجلس که از ردصلاحیت خود برای انتخابات آینده مجلس به شدت انتقاد کرد.

مسعود پزشکیان گفت: هنوز جوابی از طرف هیات‌های اجرایی به اعتراض من داده نشده است. ما اعتراض مان را داده ایم خوششان آمد تایید می‌کنند خوششان نیامد تایید نمی کنند در هر دو حالت خوشحال می‌شوم.

وی افزود: معتقدم خدا و مردم باید آدم را تایید کند برای من تایید یا رد اینها مهم نیست.

پزشکیان هم اکنون نماینده تبریز در مجلس است اما از سوی هیات‌های اجرایی (وزارت کشور) برای انتخابات بعدی مجلس، رد صلاحیت شد. انتخابات بعدی مجلس در روز ۱۱ اسفند آینده برگزار می‌شود.

پزشکیان ۴ دوره در مجلس حضور داشت و دارد یعنی علاوه بر دوره فعلی (یازدهم)، دوره‌های هشتم، نهم و دهم نیز در مجلس، نماینده بود. او بین سال‌های ۹۵ تا ۹۹ هم نایب رئیس مجلس بود. پزشکیان در دولت دوم خاتمی (سال ۸۰ تا ۸۴) هم وزیر بهداشت بود. وی پزشک و فوق تخصص جراحی قلب است.

نماینده مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: موکلان من در تبریز از رد صلاحیتم ناراحت هستند تعداد زیادی می‌گویند اگر تایید نشوید ما پای صندوق رای نمی آییم. ما آمدیم که مردم را پای صندوق‌های رای بکشانیم. رهبری می‌گویند کاری کنید مردم پای صندوق رای بیایند اما کاری که اینها می‌کنند مردم را از صندوق‌ها فراری می‌دهند. اینها ضد نظام هستند. همین افراد، نظام را با مشکل مواجه کرده اند.

وی تاکید کرد: هرچه دلشان می‌خواهد بکنند مهم نیست. من از نظر اعتقادی به صحنه آمدم که مردم را پای صندوق بیاورم. اگر هم تاییدم نکنند طبابتم را می‌کنم. در پست‌های که بودم پیدا کنند ببیند رانت گرفتیم یا رانت دادیم. کل خلافی که از من پیدا کردند راه رفتنم در مجلس بود و نتوانستند چیز دیگری از من پیدا کنند. اگر خودشان را بگردند کلی مشکل دارند.

افزایش سن بازنشستگی، دستپخت چه کسانی است؟

سامان مهراد

مصوبه اخیر مجلس مبنی بر افزایش سن بازنشستگی از دو جهت قابل بررسی است.

۱- با وجود تفاسیر متفاوت پیرامون این مسئله، اقدام هماهنگ قوای مقننه و مجریه دارای فرامتنی مهم‌تر از جزئیات این مصوبه بوده و آن پرداختن بهای سنگین خطای سیاست‌گذاران توسط مردم است. رقم‌خوردن وضعیت اسفبار کنونی صندوق‌های بازنشستگی، جز با خطای سیاست‌گذاران و متولیانی که سطح ناترازی را به نقطه بحرانی کنونی رسانده‌اند حاصل نشده اما به‌جای پرداختن به ریشه‌های مشکل و مجازات مسببین، دولت و مجلس به دم‌دست‌ترین راه تمسک جسته و هزینه‌ها را به روی دوش مردم انداخته‌اند و این نکته‌ای غیرقابل قبول است.

مردم می‌بینند و سوال می‌کنند که چرا باید بهای خطای کسانی را بپردازند که حالا در حاشیه نشسته و از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند و هضم چنین مسئله‌ای برای آنان سخت است. در طرف مقابل، سیاست‌مداران هم بدون نظر مردم تصمیم می‌گیرند که زندگی آنان را دستخوش چنین تحولات شگرفی کنند؛ بدون تبیین ابعاد این اقدامات و ذره‌ای اهمیت برای میلیون‌ها فردی که قرار است تغییری بزرگ در زندگی‌شان رخ دهد.

برخی فراموش کرده‌اند که دولت و مجلس به نیابت از ملت و با تایید آنان بر مناصب قدرت نشسته و باید کارگزارشان باشند اما این رابطه به‌صورت وارونه‌ای برای بسیاری ترسیم شده و تصور دارند که قیم بوده و مردم هم باید چشم و گوش بسته به هر اقدام آنان لبیک گویند. آنان تصور نمی‌کنند که چنین اقدامات پرتبعاتی به چه‌شکل برای نظام هزینه‌ساز خواهد بود و بی‌اعتمادی عمومی را تعمیق خواهد کرد.

۲- به این مصوبه اخیر از زاویه دیگری بنگریم و ببینیم کدام طیف فکری، معمار چنین اقدام پرهزینه‌ای برای کشور بوده است. برای واکاوی این موضوع، به گوشه‌ای از اظهارات مسعود نیلی، اقتصاددان مشهور کشور و یکی از سردمداران جریان نئولیبرال بنگریم. او در سال ۹۶ و در حالی که سمت دستیاری رئیس‌جمهور وقت را برعهده داشت، در جمع اعضای اتاق‌بازرگانی از پایین‌بودن سن بازنشستگی در کشور انتقاد کرده و گفته بود: «آیا در سال‌های گذشته پیرامون موضوع صندوق‌های بازنشستگی، هیچ‌گاه به فکر ایجاد تعادل بین منابع و مصارف صندوق‌ها بوده‌ایم؟ آیا به فکر این بوده‌ایم که سن بازنشستگی را از ۶۵ سالگی به ۵۰ سالگی در مردان و ۶۰ سالگی به ۴۵ سالگی را در زنان تقلیل داده‌ایم چه تبعاتی دارد و اندیشیده‌ایم که بعدا چه اتفاقی می‌افتد؟»

این اظهارات حاکی از آن است که جریان غالب اقتصاد ایران، یعنی افرادی چون مسعود نیلی، موسی غنی‌نژاد، محمد طبیبیان و ... سردمداران این طیف فکری در ایران به‌شمار می‌روند، معمار و ریل‌گذار اصلی چنین طرح‌های پرهزینه‌ای در کشور هستند. در حالی که چه‌بسا در برهه کنونی عهده‌دار سمت خاصی هم نباشند اما با یکه‌تازی فکری موجبات نهادینه‌شدن مبانی نظری خود را بنا نهاده‌اند.

در سه دهه اخیر و با رجحان این طیف در عرصه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مبانی فکری این جریان به یک اصل خدشه‌ناپذیر تبدیل شده و هر نوع مخالفتی با این طیف، به انکار مسلمات و بدیهیات تعبیر شده و بر همین اساس است که آموزه‌های نئولیبرالیسم، همچون وحی منزل غیرقابل انکار و واجب‌العمل است.

هر دولت و مجلسی و با هر گرایش سیاسی و گفتمانی به توصیه‌های این جریان تن می‌دهد و می‌بینیم که سرریزشدن بحران‌ها هم موجب عقب‌گرد از این مسیر غلط نمی‌شود. نباید نگاهی تقلیل‌گرایانه به این مسئله داشت و آن را صرفا قائم به دولت و مجلس کنونی کرد. تصویب چنین قوانین هزینه‌سازی برای کشور ریشه در مبانی فکری و آموزه‌های غلط نئولیبرال‌های وطنی دارد که در این سال‌ها سیطره مطلقی داشته اما هیچ‌گاه مسئولیت هزینه‌سازی‌های خود برای کشور را به عهده نگرفته و همواره دلایل به‌بن‌بست رسیدن سیاست‌هایشان را بداجرا شدن قلمداد کرده‌اند!

حرف اول

«صفرها» مسئولیت‌پذیر نیستند!

ادامه از صفحه یک

آنچه که جایگاه رهبری را بالاتر از سایر قوا می‌نشاند نه اختیارات این جایگاه در امورات اجرایی دولت‌ها بلکه هدایت کلی و مراقبت از تطابق برنامه‌های اجرایی دولت‌ها در راستای اهداف کلی نظام است. البته موارد استثنا در مداخله این جایگاه مانند هر قاعده دیگری قابل توضیح است و نقض کننده این قاعده نیست.

در چنین حالتی مسئولیت پذیری دولت‌ها منتفی خواهد شد و همه دولت‌ها از نتیجه تصمیماتی که بر اساس قانون موظف به اتخاذ آن هستند سلب مسئولیت خواهند کرد چرا که نوکر نه اختیاراتی دارد و نه مسئولیتی!

از سوی دیگر باید انصاف داشت. معاون محترم رئیس جمهور درباره دولت‌های قبل چنان سخن گفته اند که گویی دولت‌های پیشین جملگی بر خلاف قانون و حدود تعریف شده قانونی برای رئیس جمهور در برابر جایگاه کلی رهبری قد علم کرده اند و با دولت سیزدهم بساط حاکمیت دوگانه و عرض اندام در برابر رهبری برچیده شد! باید پرسید وقتی یک نامزد انتخابات ریاست جمهوری از سد دشوار شورای نگهبان می‌گذرد و سایر مجوزهای لازم را هم دریافت می‌کند چگونه می‌تواند مدعی حاکمیت جداگانه باشد؟

الف

پیشنهاد محمد مهاجری به شورای نگهبان: این بازی را باید تا قیامت ادامه داد؟

همه نامزدهای اصلاح طلب را تایید صلاحیت کنید و بهانه را از آنها بگیرید

روزنو - محمد مهاجری تاکید می‌کند: فرآیند ردصلاحیت اصلاح‌طلبان (و نیز اصولگراهای منتقد) فضا را برای مظلوم‌نمایی اصلاح‌طلبان آماده می‌کند. پس باید این بهانه را گرفت و این کار بسیار ساده است و آن تایید صلاحیت فله‌ای! همه کاندیداهای آنهاست.

محمد مهاجری تاکید می‌کند: فرآیند ردصلاحیت اصلاح‌طلبان (و نیز اصولگراهای منتقد) فضا را برای مظلوم‌نمایی اصلاح‌طلبان آماده می‌کند. پس باید این بهانه را گرفت و این کار بسیار ساده است و آن تایید صلاحیت فله‌ای! همه کاندیداهای آنهاست.

یکی از ادعاهای ما اصولگراها درباره اصلاح‌طلبان- که دست بر قضا درست هم هست- این است که جریان سیاسی یادشده دنبال بهانه است تا انتخابات را کمرنگ و یا حتی آن را تحریم کند. همچنین ادعا می‌شود که اصلاح‌طلبان موضوع ردصلاحیت‌ها را دستمایه فشار به دستگاه‌های اجرایی و نظارتی قرار داده و می‌خواهند از نظام امتیاز بگیرند.

سال‌هاست که جریان اصلاح‌طلب در انتخابات مجلس، ریاست‌جمهوری و حتی شورای شهر و روستا با تبلیغات فراوان، سروصدا راه می‌اندازد که چون کاندیداهای‌شان قلع و قمع می‌شوند عملا امکان رقابت را از دست می‌دهند و به همین دلیل عطای مشارکت را به لقایش می‌بخشند.

آنها همچنین در برابر این ادعای اصولگرایان که معتقدند تعداد نامزدهای اصلاح‌طلب معمولا زیاد است، می‌گویند اینها افراد اصلی و مشهور و اصطلاحا رای‌آور نیستند. خلاصه اینکه این کشمکش مدتی ادامه می‌یابد و بعد از برگزاری انتخابات، موقتا پرونده‌اش بسته می‌شود و همه منتظر راند بعدی می‌شوند تا انتخاباتی دیگر از راه برسد و چالش‌ها دوباره جان بگیرد.

خب چه باید کرد؟ این بازی را باید تا قیامت ادامه داد؟ اگر قرار بر تداوم بازی است، برنده این بازی کیست؟ اصلاح‌طلبان که به دلیل ناکامی در انتخابات برنده نیستند، پس ظاهرا باید طرف مقابل یعنی اصولگرایان پیروز میدان باشند.

اما واقعا این طور است؟ به نظر می‌رسد پاسخ این سوال منفی است زیرا با تبلیغاتی که از رهگذر بازی رسانه‌ای اصلاح‌طلبان بر سر تصفیه کاندیداهای‌شان اتفاق می‌افتد، مقبولیت نظام انتخاباتی مخدوش می‌شود و به‌علاوه مشارکت، سال به سال پایین‌تر می‌آید. در دو انتخابات اخیر (۱۳۹۸ و ۱۴۰۰) رکورد کاهش مشارکت شکسته شد و اصولگرایان پیروز میدانی شدند که خودشان هم از آن خوشحال نبودند.

فرآیند ردصلاحیت اصلاح‌طلبان (و نیز اصولگراهای منتقد) فضا را برای مظلوم‌نمایی اصلاح‌طلبان آماده می‌کند. پس باید این بهانه را گرفت و این کار بسیار ساده است و آن تایید صلاحیت فله‌ای! همه کاندیداهای آنهاست.

در بعضی دوره‌های انتخابات، اصلاح‌طلبان نشان داده‌اند حاضر به کناره‌گیری به نفع همدیگر نیستند. (نمونه‌ای که بسیار به ضررشان شد انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۴ است. خودشان مدعی‌اند اگر یکی از آقایان کروبی و معین کنار می‌رفتند معجزه انتخابات به نفع آنها رقم می‌خورد و احمدی‌نژاد ۸ سال بر ملت و نظام هزینه بار نمی‌کرد) در شرایطی که ائتلاف بین آنها تقریبا محال است تایید صلاحیت همه آنها، هزینه سیاسی را کم می‌کند و از طرفی چون مااصولگراها معتقدیم که آنها اعتبار و پایگاه خود را در جامعه از دست داده‌اند، رای نمی‌آورند و اصطلاحا خیط می‌شوند!

نتیجه نهایی هم معلوم است و آن پیروزی درخشان جریان اصولگرایی در یک رقابت جدی است. پیشنهاد بالا کاملا عملیاتی است و تنها دلیلی که اصولگراها می‌توانند آن را نپذیرند اینکه خودشان نزد وجدان خویش، رای نداشتن اصلاح‌طلبان را قبول نداشته باشند و از نتیجه غیردلخواه، دچار کابوس شوند و این خودش البته مقوله‌ای قابل اعتناست.

گل بود و به سبزه نیز آراسته شد!

فـارس- در روزهایـی که بسـیاری از خیابان‌هـا و معابر اصلی سـطح شـهر تبریز مثلا برای آسـفالت ریزی زیر و رو شـده و شـهروندان سـاعت‌ها در ترافیک پشـت این پروژه‌ها علاف و اسـیر می‌مانند، حفاظت محیط زیست اعلام کرده آسفالت‌ریزی خیابان‌ها ممنوع می‌شود.

۲۰ بهمـن ۱۴۰۱ بـود که هوشـیار شـهردار تبریـز وعده پر شـدن چاله‌های معابر بالای شـش متری شـهر تا چهار مـاه آینـده یعنـی خـرداد ۱۴۰۲ را داد (http://fna.ir/1u7ffq)، وعـده‌ای کـه بـا پایـان خـرداد و بـه صدا درآمـدن زنـگ سررسـید وعده شـهردار و بـا پیش‌بینی تخصیص اعتبارات ۱۳۰۰ میلیارد ریالی برای چاله زدایی معابر سطح شهر در بودجه ۱۴۰۲ به جایی نرسید.

هوشیار این بار و در ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ موعد عملیاتی شـدن این وعده را به پایان نیمه نخسـت ۱۴۰۲ حواله کـرده و گفته بـود که با اجـرای نهضت آسـفالت‌ریزی هیچ چاله‌ای در معابر چهار متری و شـش متری وجود نخواهد داشـت (http://www.shahryarnews.ir/news/۹۵۸۰۶/)، وعـده ای کـه اکنـون و در پایـان آبان ۱۴۰۲ نیز آن چنان که باید و شاید به جایی نرسیده است.

شهروندان تبریزی این روزها در اتوبان پاسداران، میدان بسیج، مسیر اتوبوس‌های تندرو در مناطق مرکزی شهر و بسـیاری دیگـر از معابـر و خیابان‌های اصلـی نه تنها باید سـقوط در چاله چوله‌های سـابق و خسارات ریز و درشـت و بدون مرجع جبـران به خودروهـای خود را به جـان بخرند، بلکه باید معطلی‌های طولانی و پریشـان اعصابی‌هـای حاصـل از ترافیـک غیـر قابـل تحمل در خیابان‌هـای ریـش ریش تبریـز را نیز به فهرسـت بلند بالای مکافات زندگی شهری خود بیافزایند.

امـا انگار این فهرسـت قرار اسـت هر روز بلنـد و بالاتر از دیروزش باشـد، چون امروز هم خبر رسیده که اداره کل حفاظـت محیط زیسـت آذربایجان شـرقی اعـلام کرده آسـفالت‌ریزی خیابان‌ها در تبریز ممنوع می‌شود! چرا؟ به علـت وارونگی هوا! بهنام اشـتری مدیـرکل حفاظت محیط زیست و دبیر کارگروه کاهش آلودگی هوای استان در جلسـه کارگـروه کاهش آلودگـی هـوای آذربایجان شرقی تاکید کرده با توجه به روند کاهشی دما و افزایش

شـدت وارونگی دمایی باید تمـام فعالیت‌های عمرانی خصوصـا آسـفالت ریـزی خیابان‌هـای درون شـهری محـدود و در زمان‌های قرار گرفتن در وضعیت ناسـالم هوا، باید ممنوع شود (http://fna.ir/۳g۰۶nr).

و ایـن یعنـی رهـا شـدن خیابان‌هـای زخـم خـورده از تیغـه تراش آسـفالت ریزی و بـالا و پایین شـدن نه تنها خودروها بلکه اعصـاب و روان راننده‌ها، آن هم نه فقط در خیابان‌های تراشیده شده پر چاله بلکه در سردرگمی ترافیک پشـت پروژه‌های آسفالت ریزی نیمه کاره و البته تنفس هوای آلـوده ای که کمترین پیامـد این وضعیت نابسامان شهری است.

هـر چند شـهرداری تبریز پس از وعده هوشـیار مبنی بر پر شـدن چاله‌های خیابان‌ها و معابر بالای شش متری شـهر نه تنهـا در ایـن معابر بلکـه در برخی مسـیرهای فرعی نیز اقدام به آسـفالت ریزی کرده، اما آنچه موجب نارضایتی عمومی در این زمینه شـده، تعدد و پراکندگی ایـن پروژه‌هـا در مناطق مختلـف و عدم تمرکـز بر روی اتمـام پروژه‌هـای در دسـت اجراسـت، موضوعـی که با وجود قصـد و نیت درسـت مجموعه شـهرداری در این خصوص، اکنـون گرهی کورتـر بر معضـل خیابان‌های نامناسـب برای تـردد خودروهـا و البته ترافیـک کلافه کننده تبریز زده است.

بـه این معمای چند مجهولی البتـه باید فاکتوری به نام فصل کاری کوتاه برای اجرای پروژه‌های عمرانی در تبریز به علت شـرایط خاص جوی را نیز افـزود، موضوعی که تجربه‌های پیشـین در خصوص اقداماتی چون نهضت آسـفالت ریزی! نیز تاثیـر منفی آن را بـر کیفیت و کمیت آسفالت خیابان‌های شهر به وضوح نشان داده تا جایی که حتی بخش قابل توجهی از صدمات و خسارات وارده به آسـفالت معابر و خیابان‌های فرعـی و اصلی تبریز را باید با اجـرای پروژه‌های این بخش در زیر برف و باران و بدون رعایت اصول فنی مختص چنین شرایطی مرتبط دانست.

اینهـا مـواردی هسـتند کـه در کنـار بسـیاری دیگـر از مؤلفه‌های ریز و درشـت دست به دسـت هم داده‌اند تا ایـن روزها رانندگی در خیابان‌های ریش و پریشـان و پر چاله و گودال تبریز به سـوهانی بر اعصاب و روان مردم این شـهر بدل شـود، سـوهانی که هر روز تیزتـر و تیزتر نیز می‌شـود و اگر به این فهرسـت مواردی چون کمبود ناوگان حمل و نقل عمومی سبک و سنگین و فرسودگی نـاوگان فعلی، سـاخت و سـازهای غیـر کارشناسـی در گره‌های ترافیکی شـهر و موضوعاتی از این دسـت را نیز بیافزاییـم، شِـما و نمایـی کلی از عـدم تـوازن در توزیع خدمات و امکانات شهری در نقاط مختلف تبریز ترسیم خواهد شـد، شـهری که روزگاری از آن به عنوان توسـعه یافته‌ترین کلانشـهر ایران یاد می‌شـد، صفتـی که امروز تنهـا نامـی از آن مانده، آن هم در شـعار و وعده‌ها نه در عمل.

البتـه که بـا رعایت جانب انصـاف باید گفت کـه در این مـدت اقداماتی نیـز برای بهبـود کلی وضعیت شـهری تبریز انجام شده و برای نمونه ورود اتوبوس‌های جدید بـه ناوگان حمـل و نقل شـهری تبریز، تکمیـل و افتتاح بدون تشریفات برخی پروژه‌های عمرانی نیمه تمام و به میراث مانده از ادوار مدیریتی شهرداری و آسفالت ریزی در برخی معابر(اکثر در مناطق بالای شـهر) و مسیرهای پرتـردد تبریز از جمله آنها هسـتند اما بر اسـاس همان اصـل انصـاف نیز بایـد پذیرفت کـه ایـن اقدامات چه بـه لحاظ کیفـی و چه از منظر کمی تناسـبی بـا نیازها و مطالبات شهروندان و البته وعده‌های شهردار ندارد.

موضوعاتی که در بسـیاری از موارد وظایف ذاتی و اولیه مدیریت شـهری هسـتند و متاسـفانه در طول سالیان بـه دلیل بر زمیـن ماندن و عدم اجرایی شـدن توسـط مدیـران شـهرداری بـه رویاهایی دسـت نیافتنـی برای تبریزی‌ها بدل شـده‌اند و وقتی بخـش قابل توجهی از زمـان خود را در ایسـتگاه‌ها برای رسـیدن اتوبوس‌های محدود و فرسـوده تلف شـده می‌بینند و مجبورند رنج سفرهای درون شهری را در خیابان‌های عموما پر از چاله و گودال و در هوای آلوده شهری به جان بخرند که سرانه فضای سبز آن هر روز در حال آب رفتن است.

واگذاری ۱۲۰۰ قطعه زمین به خانواده‌های دارای بیش از سه فرزند در آذربایجان شرقی

ایسـنا- مدیـر کل امـور بانـوان و خانـواده اسـتانداری آذربایجـان شـرقی با اشـاره به اجـرای قانـون حمایت از خانـواده و جمعیـت گفت: تـا کنون ۱۲۰۰ قطعـه زمین به خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر واگذار شده است.

زهرا کوهـی گفت‌وگو با خبرنـگاران افـزود: زمین‌ها در ۱۰ شهرسـتان بـرای خانواده‌هایی کـه دارای سـه فرزند و یا بیشـتر هسـتند واگذار شـده که آذربایجان شـرقی جز ۱۰ استان برتر در این حوزه است.

وی ادامه داد: با توجه به مشکل زمین در شهر تبریز، برای برخی خانواده‌ها از شهر جدید سهند و برخی نیز از شهرک صیاد شیرازی زمین واگذار شده است.

کوهـی با اشـاره بـه اینکـه حداکثـر مسـاحت زمین‌های واگـذاری ۲۰۰ متـر اسـت، گفـت: هزینـه آمـاده سـازی از خانواده‌هـای دارای سـه فرزنـد دریافت می‌شـود ولی از خانواده‌های دارای چهار فرزند و بیشتر هزینه‌ای دریافت نمی‌شـود. وی با تاکید بر اینکه شـرط واگذاری زمین این اسـت که تمامی فرزندان از یک مادر باشند، اظهار کرد: در این طرح زمیـن برای خانواده‌هایی که فرم (ج) آنها سـبز اسـت با توجه به قواعد فرزند آوری به خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر تعلق می‌گیرد.

مدیـرکل امور بانـوان و خانـواده اسـتانداری آذربایجان شـرقی افزود: در بحث فرزنـدآوری برای تمامـی فرزندان از فرزنـد اول به بـالا تسـهیلات بانکی تعلـق می‌گیرد، به طوری که برای فرزنـد اول ۳۰ میلیون تومـان، فرزند دوم ۶۰ میلیون تومان، فرزند سـوم ۹۰ میلیـون تومان، فرزند چهـارم ۱۲۰ میلیون تومان و به فرزنـدان پنجم به بعد ۱۵۰ میلیون تومان وام پرداخت می‌شود.

وی همچنیـن با اشـاره به اینکـه در بحث چنـد قلوها در آذربایجان شـرقی چهارقلو نداریم، گفت: با پیگیری‌هایی که از سوی مدیریت ارشـد استان انجام شده حمایت‌های درمانـی بـا همـکاری دانشـگاه علـوم پزشـکی بـرای خانواده‌های چند قلو در استان انجام می‌شود.

کوهـی اضافه کرد: بنیـاد ۱۵ خرداد سـتاد اجرایی فرمان امـام نیـز برای نـوزادان چنـد قلو زیـر ۶ ماه بسـته کمک معیشتی و سیسمونی کامل ارایه می‌دهد.

وی همچنیـن بـا بیـان اینکـه آذربایجـان شـرقی رتبه ۶ کشـوری در بحـث سـالمندی را داراسـت، گفـت: یکـی از خطرناک‌تریـن اتفاقاتـی که در اسـتان رخ داده میانگین فاصله بین ازدواج و فرزند اول به ۵ سال رسیده است.

مدیـر کل امـور بانوان و خانـواده اسـتانداری آذربایجان شـرقی با تاکید بر اینکـه نیازمند همکاری رسـانه‌ها برای فرهنگ سـازی و اطلاع رسـانی دقیـق و تخصصی در این زمینه هسـتیم، افـزود: ترغیـب و ایجاد فرهنگ مناسـب برای فرزند آوری بین زوج‌های جوان توسـط کارشناسـان و صاحـب نظـران عرصـه بسـیار مهم اسـت تـا از ایجاد هزینه‌های ناباروری نیز جلوگیری شود.

وی با اشـاره به روند پیری و کاهش زاد و ولد، گفت: ادامه این روند موجب خواهد شـد که نهادهای خدمت‌رسـان همچون بیمه‌ها در آینده دچار مشکل شوند.

کوهی با اشـاره به اجرای سـومین گام تحـول جمعیت در کشـور اظهار کرد: شناسـنامه جمعیتی ایجاد شـده و این برنامـه ثبـت محـور بـوده و به صـورت نقطـه ای تمامی شهرستان‌ها را مورد توجه قرار داده است.

وی ادامـه داد: در برنامـه تحول ۳۰ شـاخص علمی مورد بررسـی قـرار گرفته تا به صـورت نقطه ای بـه موضوعات توجه شـده و تصمیم گیری‌ها درسـت و براساس مشکل شهرستانی برنامه ریزی شود.

پرستار بیکار در آذربایجان‌شرقی نداریم

مدیـر پرسـتاری معاونت درمان دانشـگاه علوم پزشـکی تبریـز بـا بیـان اینکـه نزدیـک بـه ۳۳ درصـد نیروهـای بیمارسـتانی نیروهای طرحی و شـرکتی اسـت، گفت: فکر نکنم پرستار بیکاری در استان داشته باشیم و امید است در برنامه جذب نیرو کشوری، سهمیه خوبی داشته باشیم.

یوسف اشـرفی، مدیر پرسـتاری معاونت درمان دانشگاه علـوم پزشـکی تبریـز امـروز در نشسـت خبری خـود به مناسبت روز پرستار اظهار کرد: در هفته پرستار قرار داریم، ۲۸ آبان ماه سالروز ولادت حضرت زینب (س) است و این روز مزین به نام پرسـتار شده است و با استفاده از فضایل اخلاقـی این بانـوی بزرگ بتوانیـم رفتارهایی چـون ایثار، بردباری، صبر، شجاعت و مدیریت بحران داشته باشیم.

وی بـا بیان اینکه به جز شهرسـتان مراغه و سـراب مابقی شهرسـتان‌ها زیرمجموعـه دانشـگاه تبریـز هسـتند، گفت: ۴۳ مرکز بیمارسـتانی در اسـتان داریـم که ۲۸ مورد بیمارسـتان دولتـی و مابقـی تامین اجتماعـی، نظامی و بخش خصوصی هستند.

رئیس اداره پرستاری علوم پزشکی تبریز ادامه داد: به غیر از بخش‌هـای بیمارسـتانی، ۲۰۰ نفر از پرسـتاران در مراکز بهداشتی درمانی نیز حاضر هستند.

فعالیت ۱۱ هزار پرستار در آذربایجان‌شرقی

وی گفـت: در اسـتان بیش از ۱۱ هزار نفر گروه پرسـتاری که شـامل پرسـتار، اتاق عمل، بیهوشی و .. هسـتند و با کل مجموعه پرستاران اعم از پیشکسوتان و غیره جمعیت ۱۴ هزار نفری داریم.

اشرفی با اشـاره به شـاخص‌های تعیین پرسـتار متذکر شد: شاخص میانگین پرستار به هر تخت، (۰.۸۲ نسبت به تخت پرسـتار داریم)، یکی از شاخص‌هاسـت و آمارها حاکی از آن اسـت کـه با کمبود پرسـتار نسـبت به تخت داریم.

وی خاطرنشـان کرد: ۷۳ درصد کادر پرسـتاری اسـتان ما را زنان تشـکیل می‌دهد و این جای خالـی و کمبود را این عزیزان جبران می‌کنند.

رئیـس اداره پرسـتاری علـوم پزشـکی تبریز یادآور شـد: از دسـتگاه‌های جـذب نیـرو خواهشـمندیم در جـذب پرستاران اقدامات جدی بکنند.

وی اضافـه کـرد: میزان پرسـتار بـه هر تخت در کشـور ما فاصله زیادی با دنیا دارد.

۷ هزار تخت بیمارستانی در آذربایجان‌شرقی

اشـرفی بیان داشـت: بیش از ۷ هزار تخت بیمارستانی در اسـتان وجود دارد و به جزء مناطق کم برخوردار، ضریب اشـغال تخت‌ها بـالای ۸۰ درصد و در بخشـی بخش‌های ویژه بالای ۱۰۰ درصد است.

وی خاطرنشـان کـرد: متوسـط دریافتـی پرسـتاران ۱۵ میلیون تومان است که این بالا و پایین می‌رود.

رئیس اداره پرستاری علوم پزشکی تبریز متذکر شد: ما اگر حواس‌مان به پرستارها نباشد، آنها هم حواس‌شان به ما نخواهد بود.

وی افزود: در چند سـال اخیر روند مهاجرت پرسـتاران در اسـتان کم است ولی ما چرا نباید مراقب آنها باشیم تا آنها با عشق و علاقه در خود ایران باشند.

اشـرفی گفت: مقرر شـده اسـت تا افرادی که در ایام کرونا زحمت کشیده و با ما همکاری داشتند، جذب شوند. البته طبق نظر بالادستی برای این عزیزان امتیاز ۲۰ درصدی در جذب در نظر گرفته شـود ولی ما اعتـراض کردیم که این عزیزان در روزهای بحران خود را نشان دادند.

۳۳ درصد نیروهای بیمارستانی شرکتی و طرحی هستند

مدیر پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تبریز افزود: نزدیک بـه ۳۳ درصـد نیروهای بیمارسـتانی نیروهـای طرحی و شرکتی است؛ سـال گذشـته یک قانون فرزندان ایثارگری ابلاغ شـد که تعداد قابل توجهی از نیروهای ما با استفاده از این بخش، تبدیل وضعیت شدند.

وی ادامـه داد: سـال گذشـته ۱۴۰ نفـر نیرو جذب شـد و امسال نیز ۶۰۰ نفر نیروی طرحی برداشتیم.

اشـرفی اذعان داشـت: اگر یک هزار پرسـتار جـذب بدنه علوم پزشـکی شـود، می‌توانیم آن کمبود نیروی پرستاری را جبران کنیم.

پرستار بیکار در آذربایجان‌شرقی نداریم

وی افـزود: فکـر نکنم، پرسـتار بیکاری در اسـتان داشـته باشیم و امید اسـت در برنامه جذب نیرو کشوری، سهمیه خوبی داشته باشیم.

مدیر پرسـتای علوم پزشکی اسـتان گفت: در سال گذشته یک هزار و ۵۰۰ دانشجوی کارشناسی ارشد فارغ التحصیل شده است.

فعالیت ۲۶ مرکز مراقبت در منزل

وی بیان داشـت: کل مراکز مراقبت در منزل در کشور یک هزار و ۴۵۰ مورد اسـت که ۳۵ مورد در اسـتان است که ۲۶ مورد فعال است.

اشـرفی افـزود: بسـته‌های حمایتـی و بیمـه‌ای از ایـن شرکت‌ها شـکل نگرفته اسـت مریضی که به ارائه خدمت دارد ولـی عهـده‌دار ایـن وظیفه هسـتند ولـی تعرفه‌ها پایین است.

وی یادآور شـد: بسـته‌های حمایتی از تعرفه‌های بیمه‌ای برای این مراکز اعلام خواهد شد و از مردم می‌خواهیم غیر از این موارد مجوزهای اسـتعلامی اگر مراکـز غیرقانونی را دیدند، آن را به اعلام کنند.

وی اضافه کرد: بخش روانی و بخش سوختگی دو بخشی اسـت که قانون سـخت و زیان‌آور در آن تعبیه شـده است ولی ما تلاش می‌کنیم این قانون شـامل همه بخش‌های پرستاری شود.

خبر

۱۳ نقطه پرتصادف آذربایجان در انتظار رفع

سـرخاب- مدیرکل راهداری وحمـل ونقل جـاده‌ای آذربایجان شـرقی در رابطـه با ایمنـی جاده‌ها گفـت: ۶۵ نقطه پـر تصادف داشـتیم که تنها ۱۳ مورد از آن‌ها رفع نشده و امیدواریم بتوانیم تا سال آینده تمام نقاط پرتصادف را مرتفع کنیم.

به گـزارش خبرگزاری فارس از تبریز، اورجعلـی علیزاده؛ مدیرکل راهداری وحمل ونقل جاده‌ای اسـتان درصد و شصتمین جلسه علنی شـورای شـهر تبریز اظهـار کرد: اسـتان آذربایجان شـرقی با مسـاحت حدود ۴۵ هـزار کیلومتـر مربع و جمعیـت حدود ۴ میلیون نفر با ۲۱ شهرسـتان، ۷۰ شهر ۲۷۱۰ روسـتا قطب صنعتی، کشـاورزی و معدنی شـمال غرب کشـور با دو پایانه مرزی جلفا و نـوردوز محل اتصال کشـورهای قفقـاز و با قرار گرفتن در مسـیر کریدورهای حمـل و نقل بین المللی نقش مهمی را در امر حمل و نقل ایفا می‌کند.

وی گفت: در مجموع دو وظیفه نگهداری و حراسـت از جاده‌های مواصلاتـی اسـتان و سیاسـت گزاری حمـل و نقل در حـوزه کالا، مسافری و ترانزیت برعهده این اداره کل است.

علیزاده اظهار داشـت: ۱۰ درصد آزاد راه‌های کشـور در اسـتان ما قرار دارند.

وی ادامـه داد: نزدیـک بـه ۶۵۰ هزار تـن آسـفالت در محورهای مواصلاتی اسـتان شامل ۴۵۰ هزار تن در محورهای شریانی و ۲۰۰ هزار تن در راه‌های روسـتایی در سـال جاری آسـفالت ریزی شده است.

مدیرکل راهـداری وحمـل ونقل جـاده‌ای آذربایجان شـرقی در رابطه بـا ایمنی جاده‌ها گفـت: ۶۵ نقطه پر تصادف داشـتیم که تنها ۱۳ مورد از آن‌ها رفع نشـده و امیدواریم بتوانیم تا سال آینده تمام نقاط پرتصادف را مرتفع کنیم.

علیزاده گفت: در حوزه حمل و نقل ۵۰۰ شرکت اعم از کالا، مسافر و بیـن المللی و ۵۲ هـزار و ۵۰۰ دسـتگاه ناوگان باری دراسـتان فعالیت می‌کنند.

وی با ارائه گزارشی از وضعیت اجرای پروژه تعریض اتوبان کسایی گفت: اتوبان شـهید کسـایی تبریز یک آزاد راه به طول ۱۸ کیلومتر با رمپ و لوپ‌ها در جنوب شهر تبریز است که جنوب شرقی تبریز را به جنوب غربی متصل می‌کند.

مدیرکل راهداری وحمل ونقل جاده‌ای آذربایجان شـرقی گفت: در زمان سـاخت کلیه ابنیه‌های فنی و جسم راه ۶ خطه طراحی و اجرا و روسازی آن چهار خطه اجرا شده است.

علیزاه ادامه داد: حذف رفوژ وسـط و زیرسـازی بسـتر و روسـازی محـل رفـوژ توسـط اداره کل راهـداری و حمـل و نقـل جاده‌ای و جابه‌جایـی و انتقـال درختـان و لایه‌هـای آسـفالت و نصـب نیوجرسی توسط شهرداری انجام می‌گیرد.

دسترسی به خدمات مشاوره در محلات حاشیه‌نشین تبریز تسهیل شود

یازاکو - سرپرسـت سـازمان مدیریت و برنامه‌ریـزی آذربایجان شرقی گفت: اقدامات لازم برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی انجام گرفته و لازم اسـت در محلات حاشـیه نشـین دسترسی به خدمات مشاوره تسهیل شود.

به گزارش پایـگاه خبری یازاکو بـه نقل از خبرگـزاری مهر، حیدر فتح‌زاده صبح سـه شـنبه در جلسـه شـورای فرهنـگ عمومی اسـتان که با حضور معاون حقوق مالکیـت فکری و دبیر مرجع ملی حقوق کـودک برگزار شـد، به تبیین وضعیت آسـیب‌های اجتماعی در اسـتان پرداخت و گفت: لازم اسـت برای پیشگیری از آسـیب‌های اجتماعی در محلات حاشیه نشـین اقدامات لازم برای تسهیل دسترسی به خدمات مشاوره‌ای و اجتماعی انجام گیرد.

وی برگزاری دوره‌های آموزشی عینی و اقدامات عملیاتی مقتضی را در جامعـه، بـرای مدیریت آسـیب‌های اجتماعی بخصوص در سنین کودکان و نوجوانان ضروری دانست.

فتح زاده ابراز داشت: لازم اسـت تسهیل گری‌های لازم در قوانین و مقررات مرتبط با جرایم کودکان و نوجوانان با رویکرد اصلاحی انجـام گرفته و از فرزندان خانوارهای بی سرپرسـت که در تأمین هزینه‌هـای آموزشـی و معیشـتی فرزنـدان بـا چالـش مواجـه هستند، حمایت شود.

سرپرست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی ادامه داد: بسـط و توسـعه حیطه و رویکردهای آموزشـی می‌تواند در توانمندسازی، اشـتراک گذاری دسـتاوردها و ارائه پیشنهادهای عملی در ارتبـاط با نحوه برخورد با افراد آسـیب پذیر مؤثر واقع شود.

وی همچنیـن بر ضـرورت بهـره گیـری از ظرفیت‌هـای جامعه، اجتماعی کردن مدیریت آسـیب‌های اجتماعی و در نهایت بهره گیـری از سـرمایه‌های اجتماعی در مدیریت و کنترل آسـیب‌های اجتماعی تاکید کرد.

«جواد احسان»؛ مردی که برق تبریز مدیون اوست

خاطراتی از سیم کشی خانه پدر فرح در تبریز

نویده رئوف فرد

اغلب از عبارت «یک قرن» برای تعریف و شرح وقایع در دل تاریخ استفاده کرده‌ایم، تاریخی که دقیقا به دست مردم رقم می‌خورد و خاطراتی را بر جای می‌گذارد، این بار برای من صحبت از «یک قرن» متفاوت و جالب‌تر است؛ چرا که با بزرگمردی هم صحبت خواهم شد که خود از نقش آفرینان «قرن» اخیر است و به شرح خدمتی به درازای تاریخ و یک قرن زندگی خواهد پرداخت.

همه چیز از یک تماس تلفنی نیمه شب با یکی از بانوان توانا وکیل تبریز آغاز شد، تماسی که طی آن نام بزرگمردی به میان آمد که در «یک قرن» زندگی پر برکت خود خدمتی ماندگار به درازای تاریخ به تبریز، آذربایجان و ایران کرده است.

اینجا شروع ماجراست

«جواد احسان» اولین برق کار و روشنایی بخش خانه‌های تبریز و اولین رگلاتور ژنراتورها که محل کارش دقیقا در مرکز تبریز؛ «گولستان باغی» است و هر روز صبح کرکره مغازه را بالا می‌دهد و به فعالیت مشغول است؛ اولین جملاتی بود که شنیدم و صادقانه اگر بگویم خواب از چشمانم پرید.

اینکه خواب از چشمانم پرید از اراده بی‌مانند فرد ۱۰۰ ساله‌ای بود که هر روز اول صبح به محل کار خود می‌رود و همچنان مشغول به فعالیت است، از جملات کلیشه‌ای - جوان‌های امروزی حال فعالیت ندارند و فلان- می‌گذرم، چرا که به نظرم همین جمله نخست پاراگراف، روشنگر همه چیز است.

خلاصه ماجرا اینکه تا هماهنگی‌های لازم برای دیدار با «جواد احسان» انجام شود، خبر اینکه او کسالت جزئی پیدا کرده و باید مدتی استراحت کند، عجیب من را به نگرانی انداخت. نگران سلامتی او بودم و باز هم از جملات کلیشه‌ای -شاید اینبار آخرین بار باشد و چرا در برنامه‌ریزی کارها کمی زودتر عمل نکردم- خطاب به خودم گذشتم چرا که همه این موارد شامل خود من هم می‌شود و از فردای خود کاملا بی‌خبرم، به همین خاطر منتظر خبر ماندم تا به دیدارش بروم.

***نهم آبان ماه ۱۴۰۲ ساعت ۱۳، تبریز، «گولستان باغی»، الکترو ژنراتور احسان**

درب مغازه را که باز کردم، پشت میز با کت شلواری نوک مدادی، پلیوری مشکی با راه‌های قرمز، موهای سفید مرتب و عینکی با فریم مستطیلی شکل نشسته بود و با نگاهی که چند لحظه تیز شد تا فرد تازه وارد را بشناسد، نگاهم کرد و سلام دادم.

طی روزهای گذشته این تاریخ، با نوه جواد آقا در ارتباط بودم تا اطلاعات اولیه را از او بگیرم، در صدمین سال زندگی او هستیم و او سال ۱۹۲۳ میلادی یعنی ۱۳۰۲ هجری شمسی در شهر تفلیس کشور گرجستان به دنیا آمده و در سال ۱۳۱۹ به دستور رضاشاه با سایر مهاجران ساکن گرجستان به ایران و تبریز زادگاه پدر و مادرش بازگشته است.

بعد از احوال پرسی با دختر جواد آقا و آقای روزبه عقل آرا نوه خانواده آقای احسان بود، صحبت با «جواد آقا احسان» آغاز شد.

مغازه او به قدری جذاب بود که گوشه گوشه آن نگاه و نظر را به خود جلب می‌کرد. باید تمرکزم را یکجا جمع می‌کردم و در حالی که صندلی را در کنار میز کارش قرار داده بودم، مطالبی از این دست که دو خواهر و دو برادر داشته، برادرش اکبر در استالینگراد روسیه طی جنگ جهانی دوم فوت شده و دیگر برادر او عبدالله خیاط قابلی است که در جمع‌آوری کتاب‌های تئاتر قدیمی و نمایش نامه‌ها کمک شایانی به تئاتر تبریز کرده؛ به زبان‌های روسی، گرجی، آذربایجانی، آلمانی و ارمنی مسلط است، در سال ۱۳۱۹ زمانی که ۱۷ ساله بوده به دستور رضا شاه و استالین به همراه مهاجران از تفلیس سوار قطار شده با خانواده و وسایل منزل به ایران و تبریز بازگشته و در محله «ورجی باشی» به علت اینکه مادر در آن محله سهم داشته ساکن شدند و کار خود را از سیم کشی خانگی شروع کرده است؛ درذهنم مرور می‌کردم.

***چه کارها! چه معنا دارد با یک دکمه چراغ روشن شود**

گفت و گو را با این جمله شروع کردم که: آقای احسان برگردیم به سال ۱۳۱۹ نوجوانی که به تازگی به ایران آمده و با سرزمین مادری آشنا شده بود، اولین کاری که بعد از مستقر شدن در تبریز شروع کرد چه بود؟

با لحنی جدی گفت: آن روزها رضاشاه گفت ایرانی‌ها برگردند به ایران، من هم حرفه سیم کشی را زمانی که گرجستان بودم آموزش دیده بودم، به محض اینکه آمدم تبریز کارم را در این حیطه شروع کردم، چند نفر از بازاری‌های تبریز می‌خواستند که به خانه‌هایشان برق‌رسانی شود، اما همسایه‌هایشان می‌گفتند چه معنا دارد یک دکمه را بزنی و چراغی روشن شود، گناه است! از این کارها دوری کنید. هنوز مردم با صنعت برق به طور کامل آشنا نبودند، اما من می‌دانستم که همان همسایه‌های معترض هم دوست داشتند که خانه‌شان با برق روشن شود و دیگر مجبور به روشن کردن آن با چراغ‌های پی سوز نباشند. اولین سیم کشی‌های خانه‌ها را در تبریز من شروع کردم، واکنش‌ها عجیب بود اما بالاخره انجام شد.

***راه اندازی اولین ژنراتورهای برق تبریز**

وقتی صحبت از ژنراتورهای برقی شد که به دست آقای احسان نصب یا تعمیر شده بودند، پرسیدم: پس دومین حیطه‌ای که در آن فعالیت داشتید رگلاژ و نصب ژنراتورهای برق در صنایع تبریز و ایران بود درست هست؟

با همان جدیتی که داشت گفت: معلومه که کار من بود، به خاطر اینکه به غیر از من کسی نبود که سر از کار ژنراتورها دربیاورد، ژنراتور کبریت‌سازی توکلی، کارخانه ریسندگی کلکته‌چی، چرم‌سازی خسروی، تراکتورسازی، ماشین‌سازی، رادار، فرودگاه تبریز، راه آهن تبریز، رصدخانه مراغه، کارخانجات آیدین و داداش برادر، ماسه شویی‌ها و مرغداری‌های تبریز و خیلی از کارخانجات و بخش اورژانس بیمارستان‌های تبریز و کشور کار من هستند.

برای انجام همه این کارها من به آلمان رفته و دوره‌های تخصصی بسیاری دیده‌ام، از شرکت زیمنس بازدید کردم با آقای زیمنس و حتی کارخانه بنز دیدار کردم و هر آنچه که آموختم را به ایران آوردم.

***ایش گورن چوخدی، ایش بیلن آزدی...**

در ادامه صحبت‌هایمان سؤالی که برای خودم نیز بسیار مهم بود و شاید از درون دنبال جوابش بودم اینطور مطرح کردم که اگر نگاهی به ۱۰۰ سال گذشته داشته باشید، چه تفاوتی بین آدم‌های امروز و دیروز می‌بینید؟ خصوصا افرادی که در حیطه‌های تخصصی مانند تخصص شما یا هر تخصص دیگری فعالیت می‌کنند؟

با جمله جالبی صحبت‌هایش را ادامه داد، اینکه «ایش گورن چوخدی، ایش بیلن آزدی...» یعنی‌کننده کار زیاد هست، اما کاردان کم هست. من صدها شاگرد داشتم که تک به تک کارهایشان را پیگیر بودم تا زمانی که کسب و کار خودشان را راه بیاندازند و به درآمد برسند، حتی بیمه آن‌ها را هم خودم پرداخت می‌کردم تا دغدغه‌ای جز یاد گرفتن و به ثمر رساندن کار نداشته باشند. اما این روزها زیاد به کاردانی اهمیت داده نمی‌شود.

جواد آقا با خنده و طبعی شوخ ادامه داد: من مثلا مهندس محسوب می‌شوم، اما به اندازه امروزی‌ها ادعایی ندارم، مهم این هست که کار بلد باشی وگرنه مدرک را که همه می‌گیرند.

***از نورپردازی خانه فرح دیبا تا بازدید راه آهن تبریز به همراه هویدا**

روزبه عقل آرا نوه دختری آقا جواد احسان که در طی مصاحبه و تصویربرداری به من خیلی کمک می‌کرد، در ادامه صحبت‌های ما برای یادآوری و همراهی پدربزرگ خود، از او درخواست کرد تا ماجرای نورپردازی خانه پدری فرح دیبا که در ششگلان تبریز بود و بازدید از راه آهن تبریز به همراه هویدا را تعریف کند.

آقا جواد گفت: این‌ها را می‌توانی بنویسی؟

***گفتم حتما، همه‌شان را تعریف کنید، افراد را که از تاریخ نمی‌شود حذف کرد.**

لبخند زد و با آن دستان کشیده خود که رگ‌های برجسته دستانش هم به آن‌ها جذبه بیشتری داده بود، اشاره کرد به پشت که منظور سمت شرق تبریز بود و گفت: خانه پدری فرح دیبا ششگلان بود، روزی که داشتم خانه آن‌ها را سیم کشی می‌کردم، مادر فرح گفت که آیا حیاط را هم می‌توان با چراغ‌ها نورپردازی کرد؟ گفتم چرا نشود، وسط حیاط حوض بزرگی داشتند، از آن‌ها خواستم تا یک نفر بنا من را همراهی کند، کناره‌های حوض را چند طبقه کوتاه کردم و در آنجا چراغ‌های رنگی نصب کردم، اولین بار بود که یک حیاط خانه با چراغ‌های رنگی نورپردازی می‌شد و قابلیت چشمک زدن و تغییر رنگ داشت.

همین طور که داشت تعریف می‌کرد، یک دفعه موضوع را به سمت راه آهن برد، گفت وقتی ژنراتور راه آهن تبریز راه‌اندازی کردم هویدا تبریز بود به من گفتند که با او همراهی کن و بخش‌های مختلف را به او نشان بده و من هم همین کار را کردم که باز او هم در حیرت کارهای من بود. هرکاری که من انجام دادم کارهایی بود که خواستم و انجام شد، به نظر خود همه چیز قابل اجراست اگر بخواهم.

***این بار راه اندازی موتور رادار تبریز**

درحال ورق زدن دفتری بودیم که در مورد موتورها و ژنراتورهایی که تعمیر کرده با جزئیات به زبان روسی نوشته بود. به دو موتور رسیدیم که مربوط به رادار تبریز بود، خندید گفت: یک سرهنگی آن زمان مسئول رادار تبریز بود. دور موتور آلمانی در رادار داشتند که مربوط به کنترل هواپیماها، نشانه‌گیری و سایر کارهای دفاعی و از کار افتاده بود. دنبال من آمدند و آنجا بردند، این سرهنگ از بالا به پایین من را نگاه و دهنش را کمی کج کرد و گفت: تو می‌خواهی این‌ها را تعمیر کنی؟

از شیطنت نگاه جواد آقا فهمیدم که درس درست و حسابی به سرهنگ داده، خندیدم و خندید و گفت: به سرهنگ نگاهی کردم و در فکرم گفتم «اشکال نداره کجی دهنت را هم مثل این موتورها درست می‌کنم...!» و باز هم آرام خندید.

ادامه داد: وقتی به دستگاه نگاه کردم دیدم بخش‌های دیگر کار می‌کند، اما بخش اصلی که باید برق‌رسانی به آن درست انجام شده باشد، از کار افتاده، برگشتم به سربازی که من را آورده بود گفتم به همین سرهنگتان بگو به اندازه یک بند انگشت سمباده دارد به من بدهد؟

باز سرهنگ دهانش را کمی کج کرد و با بی‌میلی گفت سمباده می‌خواهد چه کار؟ گفتم بدهید به من کاری نداشته باشید، تا آمدم سمباده را در قسمت انتقال برق قرار بدهم برگشت گفت چی کار کی کنی دستت را برق می‌گیرد، نگاهش کردم گفتم بفرما کار کرد. حل شد یا نه؟

انگار که دوباره آن لحظه را تجربه کرده باشد، چشمانش برقی از موفقیت زد و گفت: بعد از آن بود که سرهنگ عجیب به من علاقه‌مند شد و تمامی موتورهایی که کار نمی‌کرد را می‌فرستاد همین مغازه تا من همه‌شان را بررسی و تعمیر کنم.

***

از دیدارمان یک ساعتی می‌گذشت و اگر بگویم گذر زمان به معنای واقعی در این مغازه قابل درک نبود، بی‌راه نگفتم. بعد از اتمام صحبت‌هایش یکی یکی دستگاه‌های برقی‌ای که خودش ساخته بود نشانم داد، حتی کتاب‌های قدیمی که ورق‌هایش در حال پوسیدن بودند و او زمانی برای آموختن زبان آلمانی از آن‌ها استفاده می‌کرده، همه و همه نشانه‌ای از علاقه و انگیزه درون او بود.

در آخر از او پرسیدم جواد آقا پیشه کار صنعت برق تبریز، برنامه روزهای پیش رؤیتان چیست؟

دستان کشیده‌اش را به علامت بس است بالا برد و گفت: بیش از ۸۰ سال کار کردم، بس است، بعد از این گشتن و لذت بردن از زندگی، همین!

جواد آقا احسان عمر پربرکتتان روشنی بخش زندگی‌ها بود، قلبتان همیشه روشن و وجودتان پایدار باد.

نصر

رجایی: حاکمیت به دولت بر سر ردصلاحیت‌ها تذکر بدهد

سکوت رئیسی شایسته نبود

خبرآنلاین- غلامعلی رجایی با اشاره به ردصلاحیت‌ها گفت: به‌نظرم آقای رئیسی در این قضیه سکوت ناشایستی کرد و توقع می‌رفت وقتی در نظرسنجی‌ها متوجه ردصلاحیت‌ها شد خصوصا برای افرادی که در مجلس مثمرثمر بوده‌اند و سابقه ارزشی و انقلابی داشتند دخالت کند.

ردصلاحیت گسترده منتقدان دولت از سوی هیأت‌های اجرایی وزارت کشور، انتقادات زیادی را متوجه دولت رئیسی کرده و حالا نگاه‌ها به شورای نگهبان دوخته شده تا ببینند آیا این منتقدان از گیت شورای نگهبان عبور می‌کنند یا خیر. این درحالی است که اخیرا، رهبر انقلاب در دیدار با اعضای شورای نگهبان بر مشارکت پرشور در انتخابات تاکید کردند و فرمودند: «همه وظیفه دارند زمینه برگزاری انتخاباتی پرشور را در اسفند ماه امسال فراهم کنند.»

در همین راستا، غلامعلی رجایی، چهره سیاسی اصلاح طلب و مشاور مرحوم آیت الله‌هاشمی رفسنجانی، در گفتگو با خبرآنلاین می‌گوید؛ « ما باید بپذیریم که امروز رای‌ها با شناخت، بصیرت و نقادی همراه است و رای‌های تکلیفی به حداقل رسیده است.»

وی با تاکید براینکه برای افزایش مشارکت باید الزامات مشارکت حداکثری را فراهم کنند، از ردصلاحیت‌ها انتقاد کرده و می‌گوید؛«به‌نظر من حالا که رییسی دخالت نمی‌کند باید حاکمیت، نه‌تنها به شورای نگهبان بلکه حتی به دولت تذکر دهد. این کارها را شورای نگهبان انجام نداده و کار دولت است و باید خطایش گرفته شود.»

مشروح گفتگوی غلامعلی رجایی، فعال سیاسی اصلاح طلب را در ادامه به نقل از خبرآنلاین می‌خوانید؛

****

*** آقای رجایی، اخیرا رهبر انقلاب برای دومین بار در سال جاری بر ضرورت پرشور بودن انتخابات و مشارکت در انتخابات تاکید کردند، به‌نظر شما الزامات افزایش مشارکت در انتخابات چیست؟**

تاکید ایشان به شورا بخشی از قضیه است اما شورا با رد صلاحیت افرادی مثل دکتر لاریجانی نشان داده، کار خودش را می‌کند. معتقدم شورای نگهبان باید ملزم شود تا افکار عمومی متوجه شوند و ببینند تذکرها جنبه عملی دارد. نتیجه تذکرها باید این باشد که صلاحیت به بعضی افرادی که وزیر بودند یا چند دوره در مجلس بودند، برگردانده شود.

برای افزایش مشارکت باید الزامات مشارکت حداکثری را فراهم کنند

رد صلاحیت کسانی مثل آقای بیگی(نماینده اول تبریز) یا آقای پزشکیان، عملا نشان داد که دغدغه این نیست که افراد پای صندوق‌های رای جمع شوند و با حذف این دسته از افراد قاعدتا کسانی که دور قبل به آن‌ها رای داده‌اند دیگر پای صندوق نمی‌آیند و به نفر بعدی رای نمی‌دهند.

در انتخابات ایران این‌طور است که گزینه مردم همان یکی دو نفری هستند که هر بار به آن‌ها رای می‌دهند و اگر ۳ نفر معرفی شوند لزوما مردم به هر ۳ نفر، رای نمی‌دهند. حذف افرادی مثل دکتر مطهری و پزشکیان از سوی هیات‌های اجرایی اگر توسط هیات‌های نظارت تایید شود، باعث می‌شود در بعضی شهرها، قاعدتا به این‌که حوزه‌های انتخابات و صندوق‌های رای خلوت شود، کمک شود. برای افزایش مشارکت باید الزامات مشارکت حداکثری را فراهم کنند، من بارها گفته‌ام وقتی مردم ببینند در ویترین انتخابات چیزی که می‌خواهند نیست، راهشان را به سمت دیگری کج می‌کنند.

رأی‌ها با شناخت و بصیرت است نه صرفا تکلیفی

مردم حق دارند وقتی کسی را نمی‌شناسند و قبول ندارند صرفا رای تکلیفی ندهند. ما باید بپذیریم که امروز رای‌ها با شناخت، بصیرت و نقادی همراه است و رای‌های تکلیفی به حداقل رسیده است. آگاهی مردم حتی از دهه هشتاد بالاتر رفته و انتخابات جنبه انتقادی پیدا کرده است و کنش نماینده برای مردم مهم است. این حداقل کاری بود که شورای نگهبان با انجام آن می‌تواند باعث شود مردم در دایره انتخابات بمانند.

شورای نگهبان باید دایره را وسیع کند تا کسانی که در انتخابات قبلی ریزش کرده‌بودند برگردند. اما عملا دیدیم برخی افراد شرکت نکردند و گفتند با همین پیش ثبت نام انتخاباتی که انجام شده و ثبت‌نام‌های اولیه که عمل تعجب آوری هم بود، در جهت حذف و رد صلاحیت‌ها حرکت شده است.

به‌نظرم باید ترکیب شورای نگهبان تغیر کند. به‌نظر من این ترکیب همین نتیجه را می‌دهد با این وضع ترکیب شورا، تذکرات هم راه به جایی نخواهند برد. توصیه من به حاکمیت تغیر دادن ترکیب شورای نگهبان است.

انتخابات یک امر اجتماعی است نه مذهبی

*** نمی‌توانیم این‌طور پیش‌بینی کنیم که با تاکید مجدد رهبری، فضای انتخابات به سمت بازتر شدن حرکت کند؟**

معتقدم تاکیدات در محدوده معینی که حوزه رای‌های تکلیفی و سنتی‌هاست، عمل می‌کند. ما چند دسته رای داریم که یکی از آن‌ها تکلیفی است. انتخابات یک امر مذهبی و دینی نیست یک امر اجتماعی است. عده‌ای که پای صندوق‌های رای می‌آیند که لزوما افراد متدینی نیستند آن‌ها می‌آیند رای بدهند که ببینند نماینده برایشان در قانون‌گذاری چه کار می‌کند و منتظر عکس‌العمل‌های نماینده حوزه انتخابیه‌اشان، در مواردی مثل آوردن بودجه، ساختن بیمارستان و امکانات زیرساختی و... می‌مانند.

دسته دیگر رای‌های تکلیفی هستند. در رای تکلیفی افرادی بالا می‌آیند و در انتخابات شرکت می‌کنند. نام این افراد در لیست‌هایی به مردم به داده می‌شود و مردم با استفاده از لیست‌ها به کسانی که عضو احزاب مورد نظرشان هستند رای می‌دهند. فقط درصدی از آرا مربوط به رای احزاب است که در همین دسته هم اگر یک پایه از دو پایه احزاب اصلاح طلب‌ها باشند همه آن‌ها خلع شده‌اند یا به تعبیر من به پارکینگ فرستاده شده‌اند و بایگانی شده‌اند.

دغدغه دهه هشتادی‌ها انتخابات نیست

این کارها باعث می‌شود افراد حزب دیگر هم از کنش‌گری باز بمانند مثل بازیکنی که به او توپ داده نشده و با جلسات، دورهمی‌ها، نشست‌ها و کنگره‌ها او را سرگرم کرده‌اند. با این کار در حقیقت ساحت سیاسی حرفی برای کنش‌گری ندارد. پس یک دسته از آرا، رای احزاب است که خود به خود حذف شده است. یک دسته دیگر هم رای‌های خاکستری است که این افراد اساسا مخالف نظام نیستند ولی پایبندی جدی هم به آن ندارند. اگر ببینند نماینده‌ای می‌تواند برای کشور و شهرشان مفید باشد برای انتخاب او پای صندوق رای می‌آیند وگرنه نمی‌آیند. پس سه دسته رای وجود دارد.

دهه هشتادی‌ها هم که به‌طور کلی با صندوق‌ها بیگانه هستند. سمت و سوی دستگاه رسانه‌ای و تبلیغاتی کشور هم با آن‌ها مخالف است. خصوصا که آن‌ها در یک سال و نیم اخیر نشان دادند دغدغه‌شان مسئله صندوق رای و انتخابات نیست و چیزهای دیگری است.

حاکمیت باید به دولت تذکر بدهد

***عملکرد هیات‌های اجرایی را چطور ارزیابی می‌کنید؟**

هیات‌های اجرایی انتخابات مجلس امسال از شگفت‌انگیزترین هیئت اجرایی‌ها در سال‌های اخیر، بودند و دولت خودش دست به کار شد. یعنی حتی اجازه نداد زحمتی به‌عهده شورای نگهبان باشد و هزینه‌ها را خودِ دولت پرداخت کرد. به‌نظرم آقای رئیسی در این قضیه سکوت ناشایستی کرد و توقع می‌رفت وقتی در نظرسنجی‌ها متوجه ردصلاحیت‌ها شد خصوصا برای افرادی که در مجلس مثمرثمر بوده‌اند و سابقه ارزشی و انقلابی داشتند دخالت کند.

باید استدلال خود آقایان را هم دید ولی این‌که همه را براساس بند اول یعنی التزام به نظام رد کنند، قاعدتا حذف دایره منتقدین است. از عجایب است که دولت بخواهد باب انتقاد را با تضعیف نظام یکی بداند و این از اشتباهاتی است که بزرگ‌ترها باید دخالت می‌کردند.

به‌نظر من حالا که رییسی دخالت نمی‌کند باید حاکمیت، نه‌تنها به شورای نگهبان بلکه حتی به دولت تذکر دهد. این کارها را شورای نگهبان انجام نداده و کار دولت است و باید خطایش گرفته شود. هم‌چنین توقع می‌رفت و می‌رود که مجلس شدیدتر و تندتر با دولت برخورد کند و از وزیر کشور درباره رد صلاحیت نمایندگان مستقل، معتدل و غیرهم‌سو با دولت هستند نقد جدی کند و از وزیرکشور پاسخش را دریافت کند. من فکر می‌کنم قضیه تاحدی مهم است که اگر نمایندگان نتیجه نگیرند می‌توانند سوال کنند.

انتخابات امسال کم‌فروغ‌تر خواهد بود اگر....

*** آقای رجایی، اگر فضا برای انتخابات امسال رقابتی نشود و یک رقابت درون جریانی به‌وجود بیاید، تا چه میزان به مشارکت آسیب وارد می‌شود؟**

همین حالا هم آسیب زده است. تا همین حالا هم با پیش ثبت نام انتخابات کار خود را کرده است و مطمئن باشید انتخابات پرفروغی نخواهیم داشت و حتی پیش‌بینی می‌شود که از انتخابات پیشین هم، کم فروغ‌تر باشد. بخشی از علت آن هم برمی‌گردد به تحولات و جریاناتی که در یک سال و نیم اخیر برای مرگ مرحوم مهسا امینی داشتیم. من فکر می‌کنم در روی این پاشنه خواهد چرخید و انتخابات از دور قبل هم متاسفانه کم فروغ‌تر خواهد بود.

بازار کلنگی‌ها؛ گرم برای احتکار و سرد برای ساخت‌وساز

مهر- طبق آمار رسمی سهم خرید خانه‌های کلنگی در بازار مسکن افزایش یافته است اما با بررسی دقیق‌تر روشن می‌شود این خانه‌ها به منظور تأمین زمین برای ساخت‌وساز خریداری نمی‌شود.

طبق آمار رسمی سهم خرید خانه‌های کلنگی در بازار مسکن افزایش یافته است. اما با بررسی دقیق‌تر روشن می‌شود این خانه‌ها به منظور تأمین زمین برای ساخت‌وساز خریداری نمی‌شود بلکه هدف از خرید آنها سرمایه گذاری است. در حالی خانه‌های کلنگی اینگونه احتکار شده و از چرخه ساخت خارج می‌شوند که کلان‌شهر تهران به دلیل انحصار در تأمین زمین مورد نیاز ساخت با مشکل روبه‌رو است. راه نفس ساخت‌وساز گرفته شده است. این را آمار و ارقام رسمی می‌گوید. در فصل پاییز همانطور که آلودگی هوا راه تنفس تهرانی‌ها را بند آورده، احتکار و تورم تنفس بازار مسکن این کلان‌شهر را با مشکل مواجه کرده است. غالبا فصل پاییز، فصل تهیه زمین برای سازندگان و یا همان فعالان حوزه ساخت‌وساز است، در نتیجه انتظار می‌رود این فصل شاهد رونق معاملات خانه‌های کلنگی باشد. خانه‌های کلنگی کوبیده و تبدیل به خانه‌های نو شوند. اما متأسفانه بازار کلنگی‌ها امسال و در امتداد یک رویه حداقل ۵ سال، آینده با یک رکود در ساخت و ساز روبه‌رو است، رکودی که ریشه در دو عامل مهم دارد، تورم و احتکار!

طبق اطلاعات آخرین گزارش مرکز آمار ایران از تحولات بخش مسکن، متوسط قیمت مسکن در شهر تهران طی بازه شهریور ماه امسال به ۷۷ میلیون و ۴۸۰ هزار تومان رسیده است. بر این اساس، نرخ تورم سالانه شهریورماه ۱۴۰۲ آپارتمان‌های مسکونی شهر تهران به عدد ۸۳.۹ درصد می‌رسد که نسبت به همین اطلاع در ماه قبل (۸۲ درصد)، ۱.۹ واحد درصد افزایش داشته است.

معادله پیچیده رکود کلنگی‌ها و نقش آن در گرانی مسکن

نبض قیمت بازار مسکن در دست خانه کلنگی است. چرا که از یکسو، زمین مورد نیاز ساخت‌وساز داخل کلانشهرها و شهرهای بزرگ در غیاب عرضه زمین توسط دولت را، این خانه‌های کلنگی تأمین می‌کنند. از دیگر سو، تورم ۸۴ درصدی هم شامل خانه‌های نوساز و هم شامل خانه کلنگی می‌شود و با توجه به سهم ۷۰ درصدی زمین در قیمت تمام شده و یا بازاری مسکن، افزایش قیمت در این خانه‌ها به معنای افزایش قیمت در کل بازار مسکن است. بنابراین خانه‌های کلنگی یک متغیر تعیین‌کننده در بازار به‌شمار می‌رود. علاوه بر این جهش قیمتی، که نتیجه انحصار زمین و عدم عرضه آن به بازار به منظور تأمین زمین مورد نیاز ساخت‌وساز بوده، اتفاق دیگری نیز در ارتباط با خانه‌های کلنگی افتاده که زمینه تشدید بحران در بازار مسکن را فراهم کرده است.

بررسی بازار فروش واحدهای مسکونی کلنگی، وجود رکود شدید از سمت «تقاضای خرید به جهت ساخت» برای این واحدها را نشان می‌دهد. این رکود دوسویه بوده و اساسا معادلات بازار مسکن را پیچیده می‌کند. در سمت عرضه، مالکان این خانه‌ها به دلیل افزایش قیمت دارایی‌شان تمایل برای فروش کلنگی‌ها افزایش یافته اما در مقابل تقاضا برای خرید این ملک‌ها که غالبا توسط سازنده‌ها بوده در کمترین حالت قرار دارد. همچنین اتفاق معنادار دیگری که در این بازار افتاده است کاهش عرضه املاک کلنگی به بازار مشارکت در ساخت با سازنده است، در حالی که سازنده‌ها عمدتا متقاضی مشارکت با مالکان در ساخت‌وساز هستند و تمایلی به خرید خانه‌های کلنگی ندارند. پیش‌تر سازنده بخشی از زمین مورد نیاز خود برای ساخت‌وساز را به صورت مستقیم خریداری می‌کرد اما در حال حاضر به دلیل انحصار زمین تنها گزینه برای سازنده، خانه کلنگی بوده و از آنجا که تقاضای خرید آپارتمان‌های نوساز افت محسوسی پیدا کرده است، سازنده‌ها ترجیح می‌دهند به جای صرف هزینه بسیار بالا در زمین خریداری شده، اقدام به مشارکت در ساخت با مالکان کلنگی کنند. در این میان نیز مالکان کلنگی نیز به همان دلایل ذکر شده بیشتر فروشنده شده‌اند و اغلب تمایلی به مشارکت ندارند.

احتکار و انحصار دست در دست هم در مقابل خانه‌دار شدن مردم

اخیرا بانک مرکزی از تحولات بازار مسکن کلان‌شهر تهران گزارش رسمی منتشر کرده است. طبق این گزارش سهم املاک کلنگی از معاملات مسکن افزایش یافته است. طبق آنچه در نمودار آمده، در سال ۱۳۹۴ که بازار مسکن کشور وارد بحران جدید رشد شدید قیمت‌ها و رکود ساخت‌وساز نشده بود، سهم املاک کلنگی (بالای ۲۰ سال ساخت) از کل معاملات مسکن حدود هشت تا ۹ درصد و سهم املاک نوساز (زیر پنج سال ساخت) ۵۰ تا ۵۶ درصد بود. اما اتفاقی که در سه سال گذشته رخ داده این است که سهم املاک کلنگی از کل معاملات به ۲۲ درصد رسید و برعکس آن سهم املاک نوساز که زمانی بیش از ۵۰ درصد بود به ۲۷ درصد رسیده است. این موضوع نشان می‌دهد خرید وفروش در خانه‌های کلنگی وجود دارد اما چرا با این وجود وضعیت ساخت و ساز مساعد نیست. باید تاکید کرد معاملات خانه‌های کلنگی در وهله اول می‌تواند موجب رونق ساخت و ساز شود چرا که خریداران املاک کلنگی، سازندگان املاک و بساز و بفروش‌ها هستند که برای تأمین زمین پروژه‌های ساخت‌وساز اقدام به خرید این املاک می‌کنند.

نمودار نشان می‌دهد، افزایش خرید و فروش خانه کلنگی به معنای بازگشت رونق به بازار مسکن نیست. معنای واقعی این اتفاق این است که خانه‌های معامله شده به قصد سرمایه‌گذاری خریداری شده و عملا از چرخه ساخت‌وساز خارج می‌شوند. همانطور که بارها گفته شده، بازار زمین به دلیل وجود انحصار و عدم الحاق زمین از بازدهی بسیار بالایی برخوردار شده، در نتیجه تقاضای مصرف جای خود را به تقاضای سرمایه‌ای داده است. قابل ذکر است که املاک کلنگی عمدتا به نرخ زمین قیمت‌گذاری می‌شوند که قیمت آن (زمین) بالاتر بوده و این موضوع در افزایش قیمت‌های بازار مسکن نیز اثرگذار است. به عبارت بهتر شرایط کلی این بازار که همان انحصار زمین، بازدهی بالای سرمایه، تورم بالاتر از تورم عمومی زمینه را برای سوداگری فراهم کرده و زمین‌های داخل شهری که همان خانه کلنگی‌هاست به دست محتکران زمین افتاده است.

شاید بتوان تصویر کلی شرایط بازار خانه‌های کلنگی را اینگونه به تصویر کشید، علی رغم افزایش سهم کلنگی‌ها در معاملات بازار مسکن اما این مساله باعث رونق ساخت‌وساز نشده چرا که لزوما خرید خانه‌های کلنگی منجر به ساخت نمی‌شود بلکه در حال حاضر این خریدها به منظور سرمایه‌داری اتفاق افتاده و این خانه‌ها بعد از خرید و به منظور سرمایه‌گذاری احتکار می‌شوند. در نهایت می‌توان مدعی شد، با وجود این اتفاقات مابقی اقدامات سیاستگذاران در به تعادل رساندن بازار مسکن به ثمر نخواهد رسید، چرا که بازیگر اصلی زمین بوده و در حال حاضر متأسفانه در دست محتکران و انحصارگرایان است.

چرا بنزین را به کد ملی ندهیم؟

ایلنا- نماینده پیشین مجلس گفت: ما منابعی داریم که باید بتوانیم آن را مدیریت کنیم، باید پالایشگاه احداث کنیم و به جای خام‌فروشی نفت ایجاد ارزش افزوده کرده و بنزین را صادر کنیم نه اینکه با تعریف پروژه‌های بدون پشتوانه و با آزمون و خطا؛ فقط محل مصرف جدید در کشور ایجاد کرده و به مصرف بیشتر سوخت دامن بزنیم.

هدایت‌الله خادمی، در ارزیابی تخصیص بنزین به کد ملی به جای خودرو اظهار داشت: این پیشنهاد بر این مبنا ارائه شده که عدالت رعایت شده و سوخت برای همه مردم باشد و این در حالی است که درواقع سرمایه کشور را به باد می‌دهیم.

وی افزود: اختصاص بنزین به کد ملی همانند همان بلایی است که با خام‌فروشی نفت بر سر منابع کشور می‌آوریم در حالی که می‌توانیم آن را تبدیل به ده‌ها فرآورده باارزش کرده و بفروش برسانیم، ما حتی نفتی را که می‌فروشیم در صندوقی ذخیره نمی‌کنیم که از سود آن کشور را اداره کنیم. حال آنکه باید این سرمایه برای فرزندانمان بماند، بنابراین نسل آینده نسلی خواهد بود بدون منابع نفت، گاز و آب.

این نماینده سابق مجلس گفت: تخصیص بنزین به کد ملی مانند این است که منابعی را که در اختیار داریم بیشتر مصرف کنیم تا از بین برود، ضمن اینکه اگر بنزین را به کد ملی بدهیم مشخص نیست که چه اتفاقی در این مسیر رخ می‌دهد چون به هر حال امکان تقلب هم وجود دارد و از سوی دیگر این رویه تبدیل به سنتی می‌شود که چنانچه در آینده به هر دلیلی نتوانند ادامه دهند، دیگر نمی‌توان آن را متوقف کرد. وقتی به هر کس با توجه به کد ملی بنزین داده شود در دهه‌های آینده هم باید تداوم داشته باشد و همیشه باید این سهمیه را سالانه افزایش هم بدهیم و هر قدر که جمعیت زیاد می‌شود این بنزین اختصاصی نیز باید بیشتر شود، در حالی که منابع آن وجود ندارد و دلیلی ندارد این کار را کنیم.

وی بیان داشت: این طرح‌ها در حالی مطرح می‌شود که فکری نشده که این افراد بنزین را چگونه بفروشند این برنامه نیاز به مکانیزمی دارد که هزینه‌بر است، علاوه بر این کسی که بنزین را می‌فروشد با قیمتی متفاوت از آنچه به او تعلق گرفته به فروش می‌رساند که منجر به دونرخی و چند نرخی شدن شده و همچنین رانت بوجود می‌آید، ضمن اینکه باعث تورم و مشکلات آتی می‌شود.

خادمی با بیان اینکه تخصیص بنزین به کد ملی کار غیرمنطقی است که تجربه آن در دیگر کشورها نیز وجود ندارد، خاطرنشان کرد: ما منابعی داریم که باید بتوانیم آن را مدیریت کنیم، باید پالایشگاه احداث کنیم و به جای خام‌فروشی نفت ایجاد ارزش افزوده کرده و بنزین را صادر کنیم نه اینکه با تعریف پروژه‌های بدون پشتوانه و با آزمون و خطا؛ فقط محل مصرف جدید در کشور ایجاد کرده و به مصرف بیشتر سوخت دامن بزنیم، در حالی که تمام دنیا از هر راهکاری برای کنترل و کاهش مصرف سوخت دریغ نمی‌کنند.

وی تاکید کرد: ما باید قیمت بنزین را منطقی و در مقابل با افزایش تولید آن را صادر و ایجاد شغل کنیم وقتی اشتغالزایی می‌کنیم و مردم درآمد داشته باشند توان پرداخت قیمت واقعی سوخت را دارند نه اینکه با برنامه‌های پوپولیستی فقط به مصرف بیشتر منابع کشور دامن بزنیم.

این عضو پیشین کمیسیون انرژی مجلس گفت: مشکل کشور ما این است که شغل ایجاد نمی‌کنیم و با انجام یک اشتباه، اشتباهات بعدی را نیز تکرار می‌کنیم. بعبارت دیگر طرحی همچون تغییر سهیمه بنزین به این شکل جز حیف و میل و بر باد دادن منابع کشور نیست و با برنامه‌های رشد تولید، مصرف بهینه، مهار تورم، رشد تورم و خودکفایی مغایرت دارد.

وی اظهار داشت: اکنون سوال این که چه دستی در کار است که ما بعد از انقلاب تاکنون فقط ۳ پالایشگاه جدید احداث کرده‌ایم و فقط نفت را خام می‌فروشیم تا کشورهای دیگر پالایشگاه ساخته و تبدیل به فرآورده‌های پایین‌دست کنند و در نهایت بنزین را به خود ما بفروشند و ما هم برای مصرف بیشتر محل مصرف جدید تعریف کنیم؟

خادمی با بیان اینکه طراحان تخصیص بنزین به کدملی شناختی از منابع ایران و روش مصرف انرژی در دنیای پیشرفته ندارند، گفت: اگر قرار است عدالت رعایت شود کشور را هم بین افراد تقسیم کنیم، اگر قرار بر رعایت عدالت است اکنون بسیاری از مردم خانه و زمین ندارند پس سوبسید آب و برق و گاز متمولین را به مردم بدهیم. همان قدر که این اقدامات شدنی نیست، تغییر شیوه تخصیص بنزین به این شکل نیز نشدنی است.

وی یادآور شد: پیشنهاددهندگان این طرح‌ها به فکر منافع ملی و نسل آینده نیستند و با این افکار منابع را هدر می‌دهند، در حالی که راهکار این است پالایشگاه احداث کنیم و به جای فروش نفت خام تولید بنزین و فرآورده داشته باشیم، وقتی تولید بالا برود چون هزینه سرمایه‌گذاری ثابت است هزینه تولید کاهش پیدا می‌کند و در این صورت بنزین به قیمت مناسب و فوب به مردم بفروشیم و مابقی را صادر کنیم، ضمن اینکه حتی اگر سوبسیدی هم داده شود با صادرات پوشش باشد.

این نماینده پیشین مجلس گفت: در شرایط کنونی برای کاهش رشد مصرف بنزین راهکار این است که مافیا اجازه دهد که خودرو وارد کشور شود. وقتی خودروی استاندارد وارد شود مصرف بنزین کاهش می‌یابد و وقتی احتراق کم شود دی‌اکسیدکربن کمتری وارد فضا و آلودگی هم کمتر می‌شود.

شناسه آگهی : ۱۶۰۹۰۴۵---م الف: ۱۵۴۸

آگهی مزایده اموال غیر منقول (اسناد ذمه)

به موجب پرونده اجرایی کلاسه ۱۴۰۱۰۰۰۴۸ شش دانگ یک باب/ مغازه تحت پلاک ۳۴۱۲ فرعی از ۲۴ اصلی بخش ۳۱ تبریز واقع در کلیبر ذیل ثبت ۲۴۷۹ صفحه ۱۹ دفتر جلد ۱۴ به شماره سند مسلسل ۱۴۰۷۱۷ به مساحت ۳۱'۷۰ متر مربع به نام بهنام طالبی صادر و تسلیم گردیده است که طبق نظریه کارشناس رسمی به شماره ۱۴۰۲/۱۸۴ مورخه ۱۴۰۲/۰۶/۱۱ به مبلغ ۶۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال ارزیابی شده و پلاک فوق در مجاورت کتابخانه احداثی در دو طبقه سازه‌ای با مصالح آهن و آجر با درب فلزی از سمت شرق بوده و اعیانی آن یا حذف یا عدم وجود قسمتی از دیوار پیرامونی قابل دسترسی به ملک مجاور می‌باشد ملک مذکور دارای امتیازات و انشعابات می‌باشد شایان ذکر است که آقای صفی الدین آذری با ارائه مبایعه نامه شماره ۱۳/۰۱۷۲۵۹ مورخه ۱۳۹۳/۴/۵ اظهار نموده است که ملک ارزیابی را از آقای بهنام طالبی خریداری نموده است و به لحاظ وام بانکی انتقال سند مقدور نگردیده است و پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۲/۰۹/۱۴ در اداره ثبت اسناد و املاک کلیبر واقع در کلیبر از طریق مزایده به فروش می‌رسد مزایده از مبلغ ۶۵۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می‌شود لازم به ذکر است پرداخت بدهی‌های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه‌های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول می‌گردد ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۹/۱

سجاد مختاری ملائی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کلیبر

شناسه آگهی: ۱۶۰۹۱۹۳-----م.الف: ۱۰۸۹

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان شرقی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک میانه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۲,۱۲۴۶۴ کلاسه ۱۴۰۱,۱۵۴۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای یاورزکی پورتختمشلو فرزند اکبر بشماره شناسنامه ۱۲ صادره از میانه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۶۹۹.۰۶ مترمربع از پلاک ۱۳۳ اصلی واقع در اراضی روستای آقکند بخش ۱۹ کاغذکنان خریداری از وراث حسنعلی حقی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲,۰۹,۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲,۰۹,۱۵

حسن ترکیان رئیس ثبت اسناد و املاک

م الف: ۱۰۴۷

آگهی مزایده نوبت اول فروش ملک

در خصوص پرونده اجرائی کلاسه ۰۲۰۰۵۴۴، و درخواست خانم النار نصیری چنار بر علیه آقای علی اصغری چنار مبنی بر فروش ملک از بابت مطالبه مهریه، ملک توسط کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده و در تاریخ ۲۷/۰۹/۱۴۰۲ روز دوشنبه ساعت ۸:۳۰ صبح از طریق مزایده در شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری شهرستان عجب شیر بفروش خواهد رسید، مزایده از مبلغ پایه شروع و به کسانی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نمایند فروخته خواهد شد. طالبین میتوانند پنج روز قبل از مزایده با هماهنگی این واحد از ملک بازدید نمایند. مشخصات مورد مزایده:

-ملك مذكور بر اساس بازديد محلي و مطابق مندرجات سند عادي بتاريخ ۰۵/۰۱/۱۴۰۲ داراي عرصه به مساحت تقريبي ۲۰۰ متر مربع بوده و محدود است به حدود اربعه: شمالا متصل به كوچه عمومي شرقا" كوچه عمومي - جنوباً متصل به ملك مسكوني اسمعلي اصغري. غرباً متصل به ملك مسكوني اسمعلي اصغري.

در ملك مذكور ساختمان يك طبقه انباري با قدمت بيش از پنج سال احداث و اسكلت آن از نوع سازه بنائي فاقد شناژهاي بتني و نماسازي - داراي درب و پنجره هاي اهني - پوشش سقف تركيبي از تيرچه بلوك سيماني ديوارهاي سنگي و پي سازي سنگي به ارتفاع دومتري و داراي اعياني با قدمت بيش از پنج ساله به مساحت حدود ۲۰۰/۰ متر مربع انباري بوده و در روز بازديد مشاهده گرديد تعدادي حيوانات در داخل آن وجود داشته و انباريها فاقد انشعابات آب و برق و گاز بوده كه به شرح زير مبادرت به ارزيابي گرديد:

۱- ارزش عرصه مطابق سند عادي به مساحت (۲۰۰ متر مربع) باكاربري انباري به ازاي هر متر مربع ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ريال جمعا ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ريال تعيين و برآورد مي گردد.

۲- ارزش اعياني مطابق سند عادي به مساحت ۲۰۰ متر مربع دريك طبقه با ديوارهاي سنگي وسقف تيرچه بلوك، قابل استفاده انباري و كاهدان به ازاي هر متر مربع ۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ريال جمعا ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ريال تعيين و برآورد مي گردد.

مجموع كل ارزش ششدانگ ملك موصوف با سند عادي با فرض بلامعارض بودن از هر حيث و نيز بدون احتساب هرگونه ديون و بدهي احتمالي به افراد حقيقي و حقوقي و ادارات بخصوص دهياري و ساير بانكها به مبلغ ۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ريال معادل ششصد ميليون تومان تعيين و برآورد ميگردد.

پايه: ارزش سهمی محكوم عليه ۶/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ريال معادل شش ميليارد ريال معادل ششصد ميليون تومان ميباشد كه همان قيمت پايه كارشناسی است و مزايده از آن شروع خواهد شد ضمنا اين اجرا هيچگونه مسئوليتی در قبال تنظيم سند رسمی و اخذ پايانكار و اخذ صورتجلسه ی تفكيك و تخلفات احتمالی شهرداری ملک مذكور ندارد. پرداخت هزينه های دولتی بر عهده ی برنده مزايده می باشد كه كل مبلغ مزايده بدون ابلاغ اين اجرا می بايست قبل از اتمام ۳۰ روز پس از روز انجام مزايده توسط برنده پرداخت گردد. ملک در تصرف محكوم عليه آقای علی اصغری چنار می باشد.

شناسه آگهی: ۱۶۰۵۳۵۶---م.الف: ۱۰۸۲

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان شرقی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک میانه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۴۰۲,۴۸۱۸ کلاسه ۱۴۰۱,۱۰۰۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای نورالدین حسنی فرزند جلیل بشماره سناسنامه ۳۷ صادره از میانه در ششدانگ یک واحد مرغداری گوشتی با محوطه مربوطه به مساحت ۱۶۰۰۵ متر مربع از پلاک ۳۴ اصلی واقع در روستای النجالق بخش ۴۶ تبریز خریداری از خانم بهناز حسنی و آقای محمدامین حسنی محرز گردیده است.

۲- برابر رای شماره ۱۴۰۲,۶۱۹۸ کلاسه ۱۴۰۱,۱۰۰۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رستمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای نورالدین حسنی فرزند جلیل بشماره شناسنامه ۳۷ صادره از میانه در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۸۸۹.۸۰ متر مربع از پلاک ۳۳ و ۳۴ هر دو اصلی واقع در اراضی روستای النجالق و کزرج بخش ۴۶ تبریز خریداری از خانم بهناز حسنی و آقای محمدامین حسنی محرز گردیده است.

۳- برابر رای شماره ۱۴۰۲,۴۸۱۲ کلاسه ۱۴۰۱,۱۰۰۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثینی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای نورالدین حسنی فرزند جلیل بشماره شناسنامه ۳۷ صادره از میانه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۹۲۸.۸۵ متر مربع از پلاک ۳۴ اصلی واقع در اراضی روستای التجالق بخش ۴۶ تبریز خریداری از خانم بهناز حسنی و آقای محمدامین حسنی محرز گردیده است.

۴- برابر رای شماره ۱۴۰۲,۴۸۱۷ کلاسه ۱۴۰۱,۱۰۰۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای نورالدین حسنی فرزند جلیل بشماره شناسنامه ۳۷ صادره از میانه در ششدانگ یک واحد مرغداری گوشتی با محوطه مربوطه به مساحت ۱۲۰۰۳.۷۰ متر مربع از پلاک ۱۴۲ اصلی واقع در ترک بخش ۴۶ تبریز خریداری از آقای مرسل اسمعیلی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲,۰۹,۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲,۰۹,۱۵

حسن ترکیان رئیس ثبت اسناد و املاک

شناسه آگهی: ۱۶۰۶۶۲۶---م.الف: ۱۰۸۴

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان شرقی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک میانه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۴۰۲,۷۹۸۴ کلاسه ۱۴۰۲,۲۳۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین قره باقری فرزند تیمور بشماره شناسنامه ۳۷ صادره از میانه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی و باغ به مساحت ۳۵۵۴۰.۵۱ متر مربع از پلاک ۴۴ اصلی واقع در اراضی ترک بخش ۴۶ تبریز خریداری از مالک رسمی آقایان عظیم و اسماعیل هر دو قره باقری محرز گردیده است.

۲- برابر رای شماره ۱۴۰۲,۷۹۸۵ کلاسه ۱۴۰۲,۲۳۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین قره باقری فرزند تیمور بشماره شناسنامه ۳۷ صادره از میانه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۸۶۴۷.۸۹ متر مربع از پلاک ۴۴ اصلی واقع در اراضی ترک بخش ۴۶ تبریز خریداری از آقایان عظیم قره باقری و بهاءالدین لطفی محرز گردیده است.

۳- برابر رای شماره ۱۴۰۲,۷۹۸۶ کلاسه ۱۴۰۲,۲۳۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین قره باقری فرزند تیمور بشماره شناسنامه ۳۷ صادره از میانه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۰۰۱.۲۱ متر مربع از پلاک ۴۲ اصلی واقع در اراضی ترک بخش ۴۶ تبریز خریداری از آقایان عظیم قره باقری و مرسل اسماعیلی محرز گردیده است.

۴- برابر رای شماره ۱۴۰۲,۷۹۸۷ کلاسه ۱۴۰۲,۲۳۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین قره باقری فرزند تیمور بشماره شناسنامه ۳۷ صادره از میانه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۵۶۶۴.۵۸ متر مربع از پلاک ۴۴ اصلی واقع در اراضی ترک بخش ۴۶ تبریز خریداری از آقای عظیم قره باقری محرز گردیده است.

۵- برابر رای شماره ۱۴۰۲,۷۹۸۸ کلاسه ۱۴۰۲,۲۴۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین قره باقری فرزند تیمور بشماره شناسنامه ۳۷ صادره از میانه در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۲۴۴.۳۸ متر مربع از پلاک ۴۴ اصلی واقع در اراضی ترک بخش ۴۶ تبریز خریداری از آقای عظیم قره باقری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲,۰۹,۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲,۰۹,۱۵

حسن ترکیان رئیس ثبت اسناد و املاک

ش.آ: ۱۵۹۰۲۱۴ م.الف: ۱۵۴۰

آگهی نوبتی و تحدیدی سه ماهه دوم سال۱۴۰۲ اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان کلیبر

پیرو آگهی نوبتی شماره ۱۴۰۱/۱۰۴/۱۶/۱۲۵۳ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۶ نظر به دستور ماده ۱۱ و۱۲ قانون ثبت و اسناد و املاک و ماده ۵۹ آیین نامه آن ، املاک مجهول المالک و ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وآیین نامه آن املاک مجهول المالک واقع در شهرستان کلیبر در بخش ۳۰تبریز که در جریان سه ماهه اول سال جاری وقبل از آن قبول ثبت شده اند که آگهی نوبتی و تحدیدی آنها به شرح ذیل جهت اطلاع عموم آگهی می گردد و به موجب ماده ۱۴ قانون ثبت و ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وآیین نامه آن تحدید حدود املاک ذیل در ساعت ۹ صبح روز معین در محل وقوع ملک شروع و به عمل خواهد آمد.

قطعات واقع در بخش ۲۵ تبریز

۱-مقدار ۱۹/۵۰ سهم مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۷۶ فرعی از ۴۲- اصلی واقع در روستای لمعه درق بنام آقای سخاوت قهرمانی.

۲- مقدار ۱۹/۵۰ سهم مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۷۷فرعی از ۴۲- اصلی واقع در روستای لمعه درق بنام آقای سخاوت قهرمانی .

۳- مقدار ۱۹/۵۰ سهم مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۷۸فرعی از ۴۲- اصلی واقع در روستای لمعه درق بنام آقای سخاوت قهرمانی .

قطعات واقع در بخش ۲۶ تبریز

۴- مقدار یک سهم مشاع از ۱۸ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۶۱ فرعی از ۹- اصلی واقع در روستای بنه دیق بنام آقای فرامرز کوهی دنگاه .

۵- مقدار۲۳سهم از ۳۴ مثقال و یک نخود مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک باب خانه پلاک ۱۴۶ فرعی از ۱۳-اصلی واقع در روستای خریل بنام خانم معصومه دهقان

قطعات واقع در بخش ۳۰ تبریز

۶- مقدار ۴ سهم مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک باب خانه پلاک ۳۱۹فرعی از ۲- اصلی واقع در روستای عربشاه خان بنام آقایان احمد وحسن هردو پور خورشیدی هرکدام نسبت به ۳ دانگ مشاع از ۶ دانگ.

۷-مقدار ۴۴ سهم مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک باب خانه پلاک ۵۴ فرعی از ۱۱-اصلی واقع در روستای پیری گوری بنام آقای فیروز اتابک فر.

۸- مقدار ۱۱ سهم مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۴۵فرعی از ۱۶- اصلی واقع در روستای عبدالرزاق بنام آقای غفار احمدزاده

تاریخ تحدید حدود:روز دوشنبه ۱۴۰۲/۰۸/۲۲

۹- مقدار ۱۱ سهم مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۴۶فرعی از ۱۶- اصلی واقع در روستای عبدالرزاق بنام آقای غفار احمدزاده

۱۰- مقدار ۱۱ سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک باب خانه پلاک ۱۴۷ فرعی از ۱۶- اصلی واقع در روستای عبدالرزاق بنام آقای غفار احمدزاده

۱۱- مقدار ۱۱ سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۴۸ فرعی ۱۶- اصلی واقع در روستای عبدالرزاق بنام آقای غفار احمدزاده.

۱۲- مقدار ۱۱ سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۴۹فرعی از۱۶- اصلی واقع در روستای عبدالرزاق بنام آقای اروج سنگری عبدالرزاق.

۱۳- مقدار ۱۱ سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک۱۵۰ فرعی از ۱۶- اصلی واقع در روستای عبدالرزاق بنام آقای اروج سنگری عبدالرزاق .

۱۴- مقدار ۱۱ سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک باب ساختمان پلاک۱۵۱ فرعی از ۱۶- اصلی واقع در روستای عبدالرزاق بنام آقای علی سنگری عبدالرزاق.

۱۵- مقدار ۱۱ سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک۱۵۲فرعی از ۱۶- اصلی واقع در روستای عبدالرزاق بنام آقای غفار احمدزاده .

۱۶- مقدار ۱۱ سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک۱۵۳فرعی از ۱۶- اصلی واقع در روستای عبدالرزاق بنام آقای غفار احمدزاده.

تاریخ تحدید حدود:روز سه شنبه ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

۱۷- مقدار ۲ سهم و۲۶ مثقال و۱۶ نخود مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۳۴۶ فرعی از ۲۰- اصلی واقع در روستای حدادان بنام آقای محمودعلی ناصری .

۱۸- مقدار ۲ سهم و۲۶ مثقال و۱۶ نخود مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۳۴۷فرعی از ۲۰- اصلی واقع در روستای حدادان بنام آقای محمودعلی ناصری .

۱۹- مقدار ۲ سهم و۲۶ مثقال و۱۶ نخود مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۳۴۸فرعی از ۲۰- اصلی واقع در روستای حدادان بنام آقای محمودعلی ناصری .

۲۰- مقدار ۲ سهم و۲۶ مثقال و۱۶ نخود مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک۳۴۹ فرعی از۲۰- اصلی واقع در روستای حدادان بنام آقای محمودعلی ناصری.

۲۱-مقدار ۲ سهم و۲۶ مثقال و۱۶ نخود مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک۳۵۰ فرعی ۲۰-اصلی واقع در روستای حدادان بنام آقای ولی اسماعیلی حدادان .

۲۲- مقدار ۲ سهم و۲۶ مثقال و۱۶ نخود مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک۳۵۱ فرعی ۲۰-اصلی واقع در روستای حدادان بنام آقای ولی اسماعیلی حدادان .

۲۳- مقدار ۳۱ سهم و۱۳ مثقال مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک باب خانه پلاک۷۰ فرعی از ۸۶- اصلی واقع در روستای زربیل بنام آقای قدیر محبی.

تاریخ تحدید حدود:روز چهارشنبه ۱۴۰۲/۰۸/۲۴

۲۴ مقداریک دانگ وسه ربع یک دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۵۴ فرعی از ۴۶- اصلی واقع در روستای علولو بنام آقای علی ناصری .

۲۵- مقداریک دانگ وسه ربع یک دانگ مشاع ازششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۵۵ فرعی از ۴۶- اصلی واقع در روستای علولو بنام آقای علی ناصری .

۲۶- مقدار ۵۶ سهم مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه باغچه پلاک ۳۷ فرعی از ۱۳۴- اصلی واقع در روستای اصلان بیگلو بنام علیرضا و محمدرضا هردو شهرت آقازاده(بالمناصفه).

قطعات واقع در بخش ۳۱ تبریز

۲۷-مقدار یک دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ پلاک۱۶۴فرعی از ۱۳- اصلی واقع در روستای خانه خسرو بنام آقایان داریوش اسدی و وحید ملکی کلیبر هرکدام نسبت به ۳ دانگ مشاع از ۶ دانگ.

۲۸- مقدار یک دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه باغ پلاک ۱۶۵فرعی از ۱۳- اصلی واقع در روستای خانه خسروبنام وراث مرحوم علی اوسط نوری کلیبر.

قطعات واقع در بخش ۳۳ تبریز

۲۹- مقدار ۱۳ سهم مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک۸۲فرعی از ۵- اصلی واقع در روستای کرسفلی بنام آقای اسلام خدائی.

تاریخ تحدید حدود:روز پنجشنبه ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

لذابه استناد ماده ۱۶ قانون ثبت و مواد ۵۶ و ۸۶ آیین نامه قانون مذکور و ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی کسانی که به املاکی که بیان گردید اعتراضی داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی نوبتی تا نود(۹۰) روز اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت اسناد و املاک کلیبر تسلیم و رسید دریافت نماید و معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی صالحه تسلیم نموده و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک کلیبر تحویل دهد در غیر این صورت متقاضی یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه صالحه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست دریافت و به این اداره تسلیم نماید و در این صورت اداره ثبت می تواند بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را ادامه دهد و الا پس از انقضای مدت مزبور به اعتراضات رسیده در نشست اداری وفق مقررات رسیدگی خواهد شد وهرگاه بین متقاضی و دیگری قبل از انتشار اولین آگهی نوبتی دعوایی مربوط به املاک مندرج در بالا در جریان باشد برابر ماده ۱۷ قانون ثبت متقاضی یا طرف دعوی باید از تاریخ انتشار اولین آگهی نوبتی ظرف نود(۹۰) روز گواهی دادگاه مشعر بر جریان دعوی را اخذ وبه این اداره تسلیم نمایند والا حق او ساقط خواهد شد و واخواهی نسبت به حدود وحقوق ارتفاقی پس از انتشار آگهی تحدیدی وبرابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا مدت سی (۳۰) روز پذیرفته خواهد شد وباستناد ماده ۱۴ قانون ثبت و مواد ۷۰ و۷۴ و ۸۶ آیین نامه قانون ثبت و ماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی وآیین نامه آن به مالکین مجاور به وسیله این آگهی ابلاغ می شود که در روز و ساعت مقرر در محل حضور بهم رسانند تا طبق مقررات نسبت به تحدید حدود اقدام گردد اعتراض بر حدود وحقوق ارتفاقی مطابق ماده ۲۰قانون ثبت اسناد واملاک از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود به مدت سی (۳۰) روز پذیرفته خواهد شدو معترضین بایستی پس از تقدیم اعتراض به اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان کلیبر و دریافت رسید ظرف مدت یک ماه دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند در غیر اینصورت متقاضیان ثبت یا نماینده قانونی آنها می توانند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان کلیبر ارایه نمایند واین اداره بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد،صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به مرجع قضائی نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۸/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

سجاد مختاری ملائی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان کلیبر

ش.آ: ۱۵۹۰۱۹۴ م.الف: ۱۵۳۹

پیرو آگهی نوبتی شماره ۱۴۰۲/۱۰۴/۳۵/۳۵۷مورخه ۱۴۰۲/۰۴/۱۰ برابر ماده ۱۲ قانون ثبت و ماده ۵۹ آیین نامه قانون ثبت اسناد و املاک، اسامی اشخاصی که بر املاک مجهول المالک در بخش های ۲۶ ، ۳۰، ۳۲ ،۳۳ و ۳۴ تبریز درخواست ثبت نموده اند جهت اطلاع عموم آگهی میگردد.

قطعات واقع در بخش ۲۶ تبریز

۱- مقدار ۲۲ سهم و ۲۸ مثقال از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۹۷فرعی از ۱۷- اصلی واقع در ارضین به مساحت ۴۱۳۳۳’۵۵مترمربع بنام آقایان سهراب ،پرویز ،اکبر،علی،یعقوب،پرویزشهرت همگی بی ریا (هرکدام به مقدار یک دانگ مشاع از ششدانگ)

۲- مقدار ۲۲ سهم و ۲۸ مثقال از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۹۸ فرعی از ۱۷- اصلی واقع در ارضین به مساحت ۳۰۸۹مترمربع بنام آقایان اکبر، پرویز ،سهراب ،علی ،یعقوب ،پرویز شهرت همگی بی ریا (هرکدام به مقدار یک دانگ مشاع از ششدانگ)

۳- مقدار ۲۲ سهم و ۲۸ مثقال از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۹۹ فرعی از ۱۷- اصلی واقع در ارضین به مساحت ۲۵۷۵’۶۰مترمربع بنام آقایان حسن ومجید شهرت هردو قربانی (هرکدام به مقدار سه دانگ مشاع از ششدانگ)

۴- مقدار ۲۲ سهم و ۲۸ مثقال از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۱۰۰ فرعی از ۱۷- اصلی واقع در ارضین به مساحت ۲۱۳۴’۷۸مترمربع بنام آقایان حسن ومجید شهرت هردو قربانی (هرکدام به مقدار سه دانگ مشاع از ششدانگ)

۵- مقدار ۲۲ سهم و ۲۸ مثقال از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۱۰۴ فرعی از ۱۷- اصلی واقع در ارضین به مساحت ۲۲۸۶’۰۵مترمربع آقای توحید قاسمی

۶- مقدار ۲۲ سهم و ۲۸ مثقال از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۱۰۵فرعی از ۱۷- اصلی واقع در ارضین به مساحت۲۰۴۲متر مربع بنام آقایان یعقوب،علی،سهراب،اکبر،پرویز، پرویز شهرت همگی بی ریا(هرکدام به مقدار یک دانگ مشاع از ششدانگ)

۷- مقدار ۲۲ سهم و ۲۸ مثقال از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۱۰۶فرعی از ۱۷- اصلی واقع در ارضین به مساحت ۳۶۲۳’۴۲متر مربع بنام آقایان یعقوب،علی،سهراب،اکبر،پرویز، پرویز شهرت همگی بی ریا(هرکدام به مقدار یک دانگ مشاع از ششدانگ)

۸- مقدار ۲۲ سهم و ۲۸ مثقال از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۱۰۷فرعی از ۱۷- اصلی واقع در ارضین به مساحت ۵۲۴۸’۷۴ متر مربع بنام آقایان یعقوب،علی،سهراب،اکبر،پرویز، پرویز شهرت همگی بی ریا(هرکدام به مقدار یک دانگ مشاع از ششدانگ)

۹- مقدار ۲۲ سهم و ۲۸ مثقال از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۱۰۸فرعی از ۱۷- اصلی واقع در ارضین به مساحت ۸۲۳’۷۴ متر مربع بنام آقایان یعقوب،علی،سهراب،اکبر،پرویز، پرویز شهرت همگی بی ریا(هرکدام به مقدار یک دانگ مشاع از ششدانگ)

۱۰- مقدار۲۰ سهم و ۱۱ مثقال از ۶۴ سهم ششدانگ یکباب ساختمان تحت پلاک ۵۳ فرعی از ۲۱- اصلی واقع در رشتین به مساحت ۳۲۷’۴۱مترمربع بنام آقای ناصر احمدی حسن بکلو

۱۱- مقدار۲۰ سهم و ۱۱ مثقال از ۶۴ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۵۴فرعی از ۲۱- اصلی واقع در رشتین به مساحت ۲۵۲۹’۶۹مترمربع بنام آقای ناصر احمدی حسن بکو

۱۲-مقدار ۸ سهم و ۴ مثقال مشاع از۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت ۹۴ فرعی از ۲۲- اصلی واقع در حسن بیگلو به مساحت ۲۵۴’۱۵ متر مربع بنام آقای فریدون عبادپور

۱۳- مقدار ۸ سهم و۴ مثقال مشاع از۹۶سهم ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۹۵ فرعی از ۲۲- اصلی واقع در حسن بیگلو به مساحت ۵۹’۵۶ متر مربع بنام آقای اماموردی سرباز جمشید

۱۴- مقدار ۸ سهم و۴ مثقال مشاع از۹۶سهم ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۹۶ فرعی از ۲۲- اصلی واقع در حسن بیگلو به مساحت ۱۳۱’۳۰ متر مربع بنام آقای اکبر مهدوی

۱۵- مقدار ۸ سهم و۴ مثقال مشاع از۹۶سهم ششدانگ یکباب انباری تحت پلاک ۹۷ فرعی از ۲۲- اصلی واقع در حسن بیگلو به مساحت ۱۶۴’۶۲متر مربع بنام آقایان اکبر مهدوی و اماموردی سرباز جمشید(هرکدام به مقدار سه دانگ مشاع از ششدانگ)

۱۶- مقدار ۸ سهم و۴ مثقال مشاع از۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۹۸ فرعی از ۲۲- اصلی واقع در حسن بیگلو به مساحت ۱۲۴۵۹’۹۹ متر مربع بنام آقای اصغر مهدوی

۱۷- مقدار ۸ سهم و۴ مثقال مشاع از۹۶سهم ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۹۹ فرعی از ۲۲- اصلی واقع در حسن بیگلو به مساحت ۳۸۶’۶۴متر مربع بنام آقای اصغر مهدوی

۱۸- مقدار ۸ سهم و۴ مثقال مشاع از۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۱۰۰ فرعی از ۲۲- اصلی واقع در حسن بیگلو به مساحت ۴۳۴۳’۹۳مترمربع بنام آقای بنام میر حمید احمدی

قطعات واقع در بخش ۳۰ تبریز

۱۹-مقدار۳ سهم و۲مثقال و۱۲نخودمشاع از۹۱سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۱۶۷فرعی از۱۰۹-اصلی واقع در قارلوجه به مساحت۹۲۸۹’۵۸متر مربع بنام آقای محمد سلیمی

۲۰- مقدار۹سهم و۲۶مثقال و۲۱نخودمشاع از۴۸هم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۴۶۹فرعی از ۲فرعی از۱۱۲-اصلی واقع در لاریجان به مساحت ۴۸۱۵’۵۵متر مربع بنام آقای مظاهر عالی

۲۱- مقدار۲۲سهم مشاع از چهل سهم ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۱۷۷فرعی از۱۲۲-اصلی واقع در عنابلو به مساحت۳۴۴’۴۰-متر مربع بنام آقای اسداله پویان

قطعات واقع در بخش ۳۲ تبریز

۲۲-مقدار پنج دانگ مشاع ازششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۵۰ فرعی از ۳-اصلی واقع در اسیران به مساحت ۷۹۳’۵۶متر مربع بنام آقای یعقوبعلی شیرین پور

۲۳- مقدار پنج دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک۵۱ فرعی از ۳-اصلی واقع در اسیران به مساحت ۸۱۶’۷۵متر مربع بنام آقای رسول شیرین پور

۲۴- مقدار پنج دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۵۲ فرعی از ۳-اصلی واقع در اسیران به مساحت ۱۰۱۳’۶۴متر مربع بنام آقای رحیم حداد بابایلو

۲۵- مقدار ۴۰سهم و۱۰مثقال مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۲۷فرعی از ۱۰-اصلی واقع در قلملو به مساحت ۶۸۹متر مربع بنام آقای عیسی پور میرزاعلی

۲۶- مقدار ۲سهم مشاع از ۳۶سهم ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک۱۰۴فرعی از ۲۴-اصلی واقع در سقه سای به مساحت ۵۰۷’۱۷متر مربع بنام خانم گل تاج آقا نژاد

۲۷- مقدار ۳۶ سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۸۸ فرعی از ۳۵- اصلی واقع در همدان به مساحت ۱۲۳۲۲’۹۱متر مربع بنام خانم مکرم تقی زاده لاریجان

۲۸-مقدار ۲سهم مشاع از۳۴سهم ششدانگ یکبابخانه تحت پلاک ۶۱ فرعی از۴۲-اصلی واقع در ایچی درق به مساحت ۹۳’۱۹متر مربع بنام آقای غلام حسین رزمی

۲۹- مقدار ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۶۳ فرعی از۴۲-اصلی واقع در ایچی درق به مساحت ۲۶۷’۳۲متر مربع بنام آقای عزیز اله محمودی ایچی درق

۳۰-مقدار پنج دانگ وسه سهم و۲۶مثقال و۶نخود مشاع از یک دانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک۳۱۹ فرعی از۲۳ فرعی ۴۶-اصلی واقع در آوارسین به مساحت ۱۷۲۹’۵۰متر مربع بنام خانم زینب سعیدی

۳۱- مقدار پنج دانگ وسه سهم و۲۶مثقال و۶نخود مشاع از یک دانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک۳۲۰ فرعی از۲۳فرعی ۴۶-اصلی واقع در آوارسین به مساحت ۱۶۷۲’۷۱متر مربع بنام خانم زینب سعیدی

۳۲- مقدار پنج دانگ وسه سهم و۲۶مثقال و۶نخود مشاع از یک دانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۳۲۱ فرعی از۲۳فرعی ۴۶-اصلی واقع در آوارسین به مساحت ۴۰۳۵’۷۵متر مربع بنام خانم زینب سعیدی

۳۳- مقدار پنج دانگ وسه سهم و۲۶مثقال و۶نخود مشاع از یک دانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۳۲۲ فرعی از۲۳فرعی ۴۶-اصلی واقع در آوارسین به مساحت ۹۵۵’۳۹متر مربع بنام خانم زینب سعیدی

۳۴- مقدار پنج دانگ وسه سهم و۲۶مثقال و۶نخود مشاع از یک دانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۳۲۷ فرعی از ۴۶-اصلی واقع در آوارسین به مساحت ۲۱۳۵’۹۴متر مربع بنام خانم زینب سعیدی

۳۵- مقدار پنج دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۷۷فرعی از ۴۸-اصلی واقع در هوش سفلی به مساحت ۱۳۹۳متر مربع بنام آقای عزیزبالا مظلوم

۳۶- مقدار پنج دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۷۸ فرعی از ۴۸-اصلی واقع در هوش سفلی به مساحت ۱۱۵۳’۱۰متر مربع بنام آقای عزیزبالا مظلوم

۳۷- مقدار پنج دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۷۹ فرعی از ۴۸-اصلی واقع در هوش سفلی به مساحت ۲۱۳۸’۳۲متر مربع بنام آقای عزیزبالا مظلوم

۳۸- مقدار پنج دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۸۰ فرعی از ۴۸-اصلی واقع در هوش سفلی به مساحت ۵۷۶۷’۷۳متر مربع بنام آقای عزیزبالا مظلوم

۳۹-مقدار سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۳۴فرعی از ۵۰- اصلی واقع در پیرهادیان به مساحت ۲۷۰’۹۵متر مربع بنام آقایان محمد وسرور شهرت هردو محمود زاده (هر کدام به مقدار سه دانگ مشاع از ششدانگ)

قطعات واقع در بخش ۳۳تبریز

۴۰- مقدار چهل سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک از۱۲فرعی از ۱۹-اصلی واقع در قره توپراق به مساحت ۵۹۸۹۵’۱۱متر مربع بنام آقای بهروز قهرمانی هجه علیا

۴۱- مقدار چهل سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک از۱۳فرعی از۷فرعی ۱۹-اصلی واقع در قره توپراق به مساحت ۵۷۷۵’۷۹متر مربع بنام آقای بهروز قهرمانی هجه علیا

۴۲- مقدار چهل سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک از۱۴فرعی از ۱۹-اصلی واقع در قره توپراق به مساحت ۳۳۶۰۵’۷۶متر مربع بنام آقای بهروز قهرمانی هجه علیا

۴۳- مقدار چهل سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک از۱۵فرعی از۵فرعی ۱۹-اصلی واقع در قره توپراق به مساحت ۴۲۷۰۴’۲۰متر مربع بنام آقای بهروز قهرمانی هجه علیا

۴۴-مقدار یک سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۳۹فرعی از۲۲فرعی از ۲۲- اصلی واقع در عباس آباد به مساحت ۱۱۰متر مربع بنام آقای جواد اسد پور

۴۵- مقدار یک سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۴۰فرعی از۲۲فرعی از ۲۲- اصلی واقع در عباس آباد به مساحت ۳۶۴’۹متر مربع بنام آقای ابراهیم اسد پور

قطعات واقع در بخش ۳۴تبریز

۴۶-ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۱۵۳فرعی از ۵-اصلی واقع درکلاله علیا به مساحت ۲۲۲۴’۱۸متر مربع بنام آقای محرمعلی فهیمی

۴۷-ششدانگ یک باب ساختمان تحت پلاک ۱۶۲فرعی از۵-اصلی واقع در کلاله علیا به مساحت ۱۵۰’۲۵متر مربع بنام خانم صفیه نعمتی

۴۸-مقداره۱سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۲۰۳-فرعی از ۱۶- اصلی واقع در ابراهیم سمیع به مساحت ۷۴۶۲’۱۰مترمربع بنام آقای رستم اسماعیلی

۴۹- مقداره۱سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۲۰۷ -فرعی از ۱۶- اصلی واقع در ابراهیم سمیع به مساحت ۱۰۲۲۱’۹۲مترمربع بنام آقای ثروت صادقی

۵۰- مقداره۱سهم مشاع از ۹۶سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۲۰۸ -فرعی از ۱۶- اصلی واقع در ابراهیم سمیع به مساحت ۵۸۰۷’۱۴مترمربع بنام آقای شمس اله حیدری ابراهیم سمی

۵۱- مقدار ۷۲ سهم از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۵۳ فرعی از ۱۸-اصلی واقع در تیمور بیگلو به مساحت ۳۱۸۸’۵۷مترمربع بنام آقای صیاد رمضانی

۵۲-ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۳۸۸فرعی از ۴۲-اصلی واقع در وینق به مساحت ۳۳۶’۳۰ متر مربع بنام آقای عباس جلالی

۵۳ – مقدار نیم دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان تحت پلاک ۵۵۸فرعی از ۵۲- اصلی واقع در جانانلو به مساحت ۵۲۲ متر مربع بنام آقای مقصودصفائی

۵۴-مقدار نیم دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان تحت پلاک ۵۷۲فرعی از۵۲ - اصلی واقع درجانانلو به مساحت۳۴۸’۲۶ تر مربع بنام خانم ستاره کاظمی

۵۵-مقدارهشتاد سهم مشاع از یکصد سهم ششدانگ یکباب ساختمان تحت پلاک ۹۳فرعی از ۶۰- اصلی واقع در کشش قشلاقی به مساحت۲۰۷’۵۵ متر مربع بنام خانم می خانم حسن پور

آگهی نوبتی اصلاحی

۱-مقدار۲۲سهم و۲۸ مثقال از۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی تحت پلاک ۹۶ فرعی از ۱۷- اصلی بخش ۲۶ تبریز واقع در ارضین به مساحت ۲۰۵’۲۷ مترمربع بنام آقایان حسن و مجید شهرت هردو قربانی ، علی علیپور ومحمد نوروزی (هرکدام به مقدار یک و نیم دانگ مشاع از ششدانگ)

مهلت اعتراض به آگهی نوبتی اصلاحی از تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۲/۰۸/۰۱ به مدت یک ماه می باشد.

لذا هر کس به املاکی که بیان گردید اعتراضی داشته باشد می تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی نوبتی (۱۴۰۲/۰۸/۰۱) تا نود روز طبق ماده ۱۶ قانون ثبت اعتراض کتبی خود را به اداره ثبت اسناد و املاک خداآفرین تسلیم و رسید دریافت نماید و معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی صالحه تسلیم نموده و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک خداآفرین تحویل دهد در غیر این صورت متقاضی یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه صالحه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست دریافت و به این اداره تسلیم نماید و در این صورت اداره ثبت می تواند بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را ادامه دهد و همچنین هر کس به ملکی که تقاضای ثبت شده قبلاً اقامه دعوی نموده و در جریان باشد باید گواهی طرح اقامه دعوی از دادگاه اخذ و به اداره ثبت اسناد و املاک خداآفرین تسلیم نماید در غیر این صورت این اداره سند مالکیت متقاضیان را پس از طی تشریفات قانونی صادر و تسلیم خواهد نمود. صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به مرجع قضائی نخواهد بود .

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

داود مولائی اصل رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان خداآفرین

م.الف: ۰۲/۳۶۹۷

آگهی نوبتی وتحدیدی سه ماهه دوم سال ۱۴۰۲ اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان جلفا

پیرو آگهی بشماره ۴۴۸۶ /۱۰۴/۱۲/۱۴۰۲/۰۴/۲۴ نظر به دستور ماده ۱۱و۱۲ قانون ثبت اسناد و املاک و ماده ۵۹ آئین نامه قانون املاک مجهول المالک وماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وآئین نامه آن املاک مجهول المالک واقع در شهرستان جلفا بخش ۱۳ تبریز که در جریان سه ماهه دوم و قبل از آن قبول ثبت شده اند که آگهی نوبتی وتحدیدی آنها بشرح ذیل آگهی می گردد. وبه موجب ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و املاک وماده ۱۳قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وآئین نامه آن تحدیدحدوداملاک ذیل درساعت ۹ صبح روزهای معینه درمحل وقوع ملک شروع و به عمل خواهدآمد:

آگهی از شماره های فرعی قریه آغبلاغ پلاک ۷ -اصلی بخش ۱۳تبریز

۱)پلاک ۲۰۲ فرعی مفروزی از پلاک ۷ اصلی بنام ابوالفضل عادلی فرزند حیدر اعیانی ششدانگ و سه سهم مشاع از ۱۸ سهم عرصه ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی.

۲)پلاک ۲۰۳ فرعی مفروزی از پلاک ۷ اصلی بنام ابوالفضل عادلی فرزند حیدر اعیانی ششدانگ و سه سهم مشاع از ۱۸ سهم عرصه ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی.

۳)پلاک ۲۰۴ فرعی مفروزی از پلاک ۷ اصلی بنام ابوالفضل عادلی فرزند حیدر اعیانی ششدانگ و سه سهم مشاع از ۱۸ سهم عرصه ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی.

۴)پلاک ۲۰۵ فرعی مفروزی از پلاک ۷ اصلی بنام ابوالفضل عادلی فرزند حیدر اعیانی ششدانگ و سه سهم مشاع از ۱۸ سهم عرصه ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی.

۵)پلاک ۲۱۱ فرعی مفروزی از پلاک ۷ اصلی بنام امامقلی صمدی فرزند نجفقلی اعیانی ششدانگ و سه سهم مشاع از ۱۸ سهم عرصه ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی.

۶)پلاک ۲۱۲ فرعی مفروزی از پلاک ۷ اصلی بنام حسین عبدالهی فرزند احمد اعیانی ششدانگ و سه سهم مشاع از ۱۸ سهم عرصه ششدانگ یک قطعه باغ.

تاریخ تحدیدحدود: روز یکشنبه ۱۴۰۲/۰۸/۲۱

آگهی از شماره های فرعی قریه سیلگرد پلاک ۱۱ -اصلی بخش ۱۳ تبریز

۷)پلاک ۲۰۹ فرعی مفروزی از پلاک ۱۱ اصلی بنام قنبر و انور هر دو شهرتاً عظیمی فرزندان حسین ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی. (بطور بالسویه و بالمناصفه) .

۸)پلاک ۲۱۰ فرعی مفروزی از پلاک ۱۱ اصلی بنام قنبر و انور هر دو شهرتاً عظیمی فرزندان حسین ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی. (بطور بالسویه و بالمناصفه) .

۹)پلاک ۲۱۱ فرعی مفروزی از پلاک ۱۱ اصلی بنام قنبر و انور هر دو شهرتاً عظیمی فرزندان حسین ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی. (بطور بالسویه و بالمناصفه) .

۱۰)پلاک ۲۱۲ فرعی مفروزی از پلاک ۱۱ اصلی بنام قنبر و انور هر دو شهرتاً عظیمی فرزندان حسین ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی. (بطور بالسویه و بالمناصفه) .

تاریخ تحدیدحدود: روز دوشنبه ۱۴۰۲/۰۸/۲۲

آگهی از شماره های فرعی علمدار پلاک ۱۵-اصلی بخش ۱۳تبریز

۱۱)پلاک ۱۰۱۱۹ فرعی مفروزی از پلاک ۱۱۹۰ فرعی بنام رامین امینی فرزند عبدالنبی ششدانگ یک قطعه باغ.

۱۲)پلاک ۱۰۱۲۰ فرعی مفروزی از پلاک ۱۰۶۴ فرعی بنام عزت اله عظیمی فرزند ایوب ششدانگ یک قطعه زمین محصور به شرط الحاق به پلاک ۲۱۶۹ فرعی از ۱۵ اصلی .

۱۳)پلاک ۱۰۱۲۱ فرعی مفروزی از پلاک ۱۱۷۲ فرعی بنام شهرام رجبی فرزند سلیمان ششدانگ یکباب خانه.

تاریخ تحدیدحدود: روز سه شنبه ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

آگهی از شماره های فرعی قریه حیدرگلی پلاک ۱۶ -اصلی بخش ۱۳تبریز

۱۴)پلاک ۱۴۳ فرعی مفروزی از پلاک ۱۶ اصلی بنام حسن ابدالی فرزند قاسم ۱۲۹ سهم مشاع از ۳۸۴ سهم ششدانگ یک قطعه باغ.

۱۵)پلاک ۱۴۴ فرعی مفروزی از پلاک ۱۶ اصلی بنام سلمان علی اقدم فرزند موسی ۱۲۹ سهم مشاع از ۳۸۴ سهم ششدانگ یک قطعه باغ.

تاریخ تحدیدحدود: روز چهار شنبه ۱۴۰۲/۰۸/۲۴

آگهی از شماره های فرعی گرگر پلاک ۱۷-اصلی بخش ۱۳ تبریز

۱۶) پلاک ۶۵۶۵ فرعی مفروزی از پلاک ۱۰۸۲ فرعی بنام میرمحرم اسماعیل زالی فرزند میر مظفر ششدانگ یکباب مغازه.

۱۷)پلاک ۸۱۸۳ فرعی مفروزی از پلاک ۱۰۸۵ فرعی بنام آرش ورمزیاری فرزند فخرالدین ششدانگ یکباب ساختمان.

۱۸)پلاک ۸۱۸۴ فرعی مفروزی از پلاک ۱۷ فرعی بنام محمد علی صمصامی فرزند عبداله ششدانگ یکبابخانه.

۱۹)پلاک ۸۱۸۵ فرعی مفروزی از پلاک ۹۱۴ فرعی بنام محمد علی علی پور فرزند مراد ششدانگ یک قطعه باغ.

۲۰)پلاک ۸۱۸۸ فرعی مفروزی از پلاک ۷۸۸ فرعی بنام اکبر احمدی فرزند حسن ششدانگ یکباب خانه.

۲۱)پلاک ۸۱۸۹ فرعی مفروزی از پلاک ۱۷ اصلی فرعی بنام قادر ایامی فرزند عباس و هادی صادقی گرگری فرزند عباسقلی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی(بطور بالسویه و بالمناصفه).

تاریخ تحدیدحدود: روز پنجشنبه ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

آگهی از شماره های فرعی قریه لیوارجان پلاک ۱۹ اصلی بخش ۱۳ تبریز

۲۲)پلاک ۴۷۴۹ فرعی مفروزی از پلاک ۱۹ اصلی بنام ابوالحسن عبدالهی فرزند احمد ششدانگ یک قطعه باغ.

۲۳)پلاک ۴۷۵۰ فرعی مفروزی از پلاک ۱۹ اصلی بنام حسین عبدالهی فرزند احمد ششدانگ یک قطعه باغ.

۲۴)پلاک ۴۷۵۱ فرعی مفروزی از پلاک ۱۹ اصلی بنام محرم عبدالهی فرزند احمد ششدانگ یک قطعه باغ.

تاریخ تحدیدحدود: روز شنبه ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

آگهی از شماره های فرعی قریه زاویه پلاک ۲۸ -اصلی بخش ۱۳ تبریز

۲۵)پلاک ۳۸۲ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام جعفر مجاهدی فرزند نجف اعیانی ششدانگ یک قطعه باغ.

۲۶) پلاک ۳۸۳ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام جعفر مجاهدی فرزند نجف اعیانی ششدانگ یک قطعه باغ.

۲۷)پلاک ۳۸۴ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام حافظ رحمان زاده فرزند حمزه اعیانی ششدانگ یک قطعه باغ.

۲۸)پلاک ۳۸۵ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام جبرئیل فرحی گرگری فرزند علی اعیانی ششدانگ یک قطعه باغ.

۲۹)پلاک ۳۸۶ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام مهلقا زاویه گرگری فرزند نجفعلی اعیانی ششدانگ یک قطعه باغ.

۳۰)پلاک ۳۸۷ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام صابر خدامی فرزند نجف اعیانی ششدانگ یک قطعه باغ.

۳۱)پلاک ۳۸۸ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام عیسی عمرانی فرزند عمران اعیانی ششدانگ یک قطعه باغ.

تاریخ تحدیدحدود: روز یکشنبه ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

۳۲)پلاک ۴۶۷ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام حسن مجاورفرزند محمد اعیانی ششدانگ یک قطعه باغ.

۳۳)پلاک ۴۶۸ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام داود محبوبان نظامی فرزند اکبر اعیانی ششدانگ یک قطعه باغ.

۳۴)پلاک ۴۶۹ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام امامعلی کمانی فرزند جعفر اعیانی ششدانگ یک قطعه باغ.

۳۵)پلاک ۴۷۰ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام امامعلی کمانی فرزند جعفر اعیانی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی.

۳۶)پلاک ۴۷۱ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام محرم عبدالهی فرزند احمد اعیانی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی .

۳۷)پلاک ۴۷۲ فرعی مفروزی از پلاک ۲۸ اصلی بنام شهرام رجبی فرزند سلیمان اعیانی ششدانگ یک قطعه باغ.

تاریخ تحدیدحدود: روز دوشنبه ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

آگهی از شماره های فرعی قریه طالب گلی پلاک ۱۵۷-اصلی بخش ۱۳ تبریز

۳۸)پلاک ۵۲ فرعی مفروزی از پلاک ۱۵۷ اصلی بنام امین اکبری فرزند شمس الدین مقدار پنجاه سهم مشاع از ۳۸۴ سهم ششدانگ یک قطعه زمین باغ.

آگهی از شماره های فرعی قریه مزرعه صلاح پلاک ۱۷۵- اصلی بخش سیزده تبریز

۳۹)پلاک ۷ فرعی مفروزی از پلاک ۱۷۵ اصلی بنام عبدالرسول خلفی فرزند قاسیم مقدار ۷۱۱۹۵۷ سهم مشاع از ۷۲۲۵۶۲ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی.

تاریخ تحدیدحدود: روز سه شنبه ۱۴۰۲/۰۸/۳۰

آگهی از شماره های فرعی قریه کمارسفلی پلاک ۲۴ -اصلی بخش ۲۷ تبریز

۴۰)پلاک ۳۳۷ فرعی مفروزی از پلاک ۲۴ اصلی بنام اسکندر قربان زاده فرزند حسنقلی اعیانی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی.

۴۱)پلاک ۳۳۸ فرعی مفروزی از پلاک ۲۴ اصلی بنام اسکندر قربان زاده فرزند حسنقلی اعیانی ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی.

آگهی از شماره های فرعی قریه قره دوز پلاک ۳۸ -اصلی بخش ۲۷ تبریز

۴۲)پلاک ۱۷ فرعی مفروزی از پلاک ۳۸ اصلی بنام مهدی میرزائی فرزند محمد مقدار ۲۳ سهم مشاع از ۹۶ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی.

آگهی از شماره های فرعی قریه سیه رود پلاک ۳۹ -اصلی بخش ۲۷ تبریز

۴۳)پلاک ۱۱۹۱ فرعی مفروزی از پلاک ۳۹ اصلی بنام علیرضا پوررضا سیه رود فرزند نجفقلی ششدانگ یک قطعه باغ.

آگهی از شماره های فرعی قریه نوجه مهر پلاک ۱۰۰ -اصلی بخش ۲۷ تبریز

۴۴)پلاک ۴۱۳ فرعی مفروزی از پلاک ۷۳ فرعی بنام عباس علیزاده فرزند مظفر ششدانگ یک قطعه باغ .

تاریخ تحدیدحدود: روز چهار شنبه ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

لذا با استناد ماده ۱۶ قانون ثبت اسناد و املاک و مواد ۵۶ و ۸۶ آئین نامه قانون مذکور وماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی کسانی که نسبت به املاک مورد ثبت اعتراض داشته باشند از تاریخ نشراولین آگهی نوبتی تا نود (۹۰) روز به اداره ثبت اسناد و املاک جلفا تسلیم و رسید دریافت دارند و از تاریخ اعتراض ظرف مدت یک ماه دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نمایند درغیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت جلفا تسلیم نمایداداره ثبت بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه می دهد والا پس از انقضای مدت مزبور به اعتراضات رسیده در نشست اداری وفق مقررات رسیدگی خواهد شد و هرگاه بین متقاضی و دیگری قبل از انتشار اولین آگهی نوبتی دعوایی مربوط به املاک مندرج در بالا در جریان باشد برابر ماده ۱۷ قانون ثبت متقاضی یا طرف دعوی باید از تاریخ انتشار اولین آگهی نوبتی ظرف نود (۹۰) روز گواهی دادگاه مشعر بر جریان دعوی را اخذ و به این اداره تسلیم نمایند والا حق او ساقط خواهد شد و واخواهی نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی پس از انشار آگهی تحدیدی و برابر ماده ۲۰ قانون ثبت اسناد از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا مدت سی (۳۰) روز پذیرفته خواهد شد وبا استناد ماده ۱۴ قانون ثبت اسناد و املاک و مواد ۷۰ ، ۷۴ و ۸۶ آئین نامه قانون ثبت وماده ۱۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وآئین نامه آن به مالکین مجاور به وسیله این آگهی ابلاغ می شود که درروزوساعت مقرردرمحل حضوربه هم رسانند تا طبق مقررات نسبت به تحدیدحدوداقدام گردد اعتراض برحدودو حقوق ارتفاقی مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت اسناد واملاک از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدحدودبه مدت ۳۰ روزپذیرفته خواهد شد ومعترضین بایستی پس ازتقدیم اعتراض به اداره ثبت اسناد و املاک جلفا و دریافت رسیدظرف مدت یک ماه دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند درغیراین صورت متقاضیان ثبت یا نماینده قانونی آنهامی توانند به دادگاه مربوطه مراجعه وگواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت وبه اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان جلفا ارایه نمایند واین اداره بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

تاریخ انتشارنوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

علیرضا روستائی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جلفا

م.الف: ۱۰۳۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی عجب شیر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه و نسبت به آگهی اصلاحی یک ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.

شماره های فرعی از ۵ اصلی واقع در خضرلو بخش ده مراغه

۱-آقای محمدرضا ملیحی شیشوان فرزند عزت اله نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۹۵/۶۲ متر مربع بپلاک ۱۸۹۷ مفروز از ۵ اصلی بخش ده مراغه

شماره های فرعی از ۱۲ اصلی واقع در گل تپه بخش ده مراغه

۱-آقای فرهاد باغبانی گل تپه فرزند صمد نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۰۷/۴۱ متر مربع بپلاک ۹۳۲ مفروز از ۱۲ اصلی بخش ده مراغه

۲-آقای صالح فرهادی گل تپه فرزند عزیزاله نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۳۰۹۵/۰۳ متر مربع بپلاک ۹۳۳ مفروز از ۱۲ اصلی بخش ده مراغه

شماره های فرعی از ۱۶ اصلی واقع در شیشوان بخش ده مراغه

۱-آقای محمدرسول سبزی مهرآباد فرزند سیفعلی نسبت به ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۲۴/۳۴ متر مربع بپلاک ۲۵۴۳ مفروز از ۲۲۸ فرعی از ۱۶ اصلی بخش ده مراغه

شماره های فرعی از ۱۷ اصلی واقع در عجب شیر بخش ده مراغه

۱-آقای ابراهیم وظیفه خواه اصل فرزند رستم نسبت به ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۹۵/۹۱ متر مربع بپلاک ۱۰۸۲۳ مفروز از ۱۷ اصلی بخش ده مراغه

۲-آقای سعید گودرزی فرزند محمد نسبت به ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۳۱۰/۴۰ متر مربع بپلاک ۱۰۹۱۶ مفروز از ۱۴۲۱ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ده مراغه

۳-آقای سیفعلی عطارد توتاخانه فرزند علی اصغر نسبت به ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۰۰ متر مربع بپلاک ۱۰۹۱۷ مفروز از ۳۷۱۵ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ده مراغه

۴-آقای رضا محمودی چنار فرزند میرزا محمد نسبت به ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۱۵/۵۰ متر مربع بپلاک ۱۰۹۱۸ مفروز از ۱۷ اصلی بخش ده مراغه

۵-آقای کاظم سهیلی آقاجری فرزند جواد نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان تجاری و مسکونی به مساحت ۵۸/۰۰ متر مربع بپلاک ۱۰۹۱۹ مفروز از ۱۲۱۷ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ده مراغه

۶-آقای مصطفی بهروز نیا فرزند صفر نسبت به ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۱۷۳/۹۵ متر مربع بپلاک ۱۰۹۲۰ مفروز از ۱۴۹۴ فرعی از ۱۷ اصلی

۷-آقای کمال کیانی آغجه مسجد فرزند رحمت اله نسبت به ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۷۲/۱۵ متر مربع بپلاک ۱۰۹۲۱ مفروز از ۱۲۳۹ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ده مراغه

۸-آقای فرهاد امن الهی فرزند حسین نسبت به ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۲۵/۶۰ متر مربع بپلاک ۱۰۹۲۲ مفروز از ۱۲۲۵ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ده مراغه

۹-آقای رحیم وکالتی لیقوان فرزند یدالله نسبت به ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۲۹/۷۲ متر مربع بپلاک ۱۰۹۲۳ مفروز از ۹۶۹۸ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ده مراغه

۱۰-آقای رسول فریادی سعید آباد فرزند اسد نسبت به ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۲۵/۳ متر مربع بپلاک ۱۰۹۲۴ مفروز از ۹۶۹۸ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ده مراغه

۱۱-آقای سیدعلی رضوی فرزند میربهلول نسبت به ۴/۵ دانگ از ششدانگ مغازه و خانم زهرا رضوی النجق فرزند میربهلول نسبت به ۰/۷۵ دانگ از ششدانگ مغازه و خانم منور مسعودی فرزند میررحیم نسبت به ۰/۷۵ دانگ از ششدانگ یکباب مغازه به مساحت ۱۳/۴۳ متر مربع بپلاک ۱۰۹۲۵ مفروز از ۹۶۹۸ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ده مراغه

۱۲-آقای رحمان ذاکری مهرآباد فرزند غلامحسین نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان تجاری و مسکونی به مساحت ۹۲/۸۰ متر مربع بپلاک ۱۰۹۲۶ مفروز از ۱۴۸۸ فرعی از ۱۷ اصلی بخش ده مراغه

شماره های فرعی از ۱۸ اصلی واقع در تازه کند بخش ده مراغه

۱-آقای نجفقلی شادمان فرزند محمد و ناصر شادمان فرزند نجفقلی نسبت به ششدانگ یک قطعه بادامزار بصورت مشاعی و بالسویه به مساحت ۲۶۳۵/۷ متر مربع بپلاک ۴۳۸ مفروز از ۱۸ اصلی بخش ده مراغه

شماره های فرعی از ۱۹ اصلی واقع در سعید آباد بخش ده مراغه

۱-آقای مجید زارع دیزج فرزند کریم نسبت به ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۱۴/۵۱ متر مربع بپلاک ۲۷۸۶ مفروز از ۶۳ فرعی از ۱۹ اصلی بخش ده مراغه

۲- خانم فاطمه شیرنواز فرزند محمد نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان تجاری و مسکونی به مساحت ۱۲۱/۲۳ متر مربع بپلاک ۲۷۸۹ مفروز از ۸۸۷ فرعی از ۱۹ اصلی بخش ده مراغه

شماره های فرعی از ۳۷ اصلی واقع در بوکت بخش ده مراغه

۱-آقای اکبر رخشانی فرزند علی نسبت به ششدانگ یکباب خانه به مساحت ۲۳۴/۹۵ متر مربع بپلاک ۵۶۸ مفروز از ۳۷ اصلی بخش ده مراغه

شماره های فرعی از ۳۸ اصلی واقع در مهماندار بخش ده مراغه

۱-آقای کاظم عنبری مهمانداری فرزند احمد نسبت به ششدانگ یک واحد مرغداری گوشتی به مساحت ۵۶۰۰ متر مربع بپلاک ۸۶۴ مفروز از ۳۸ اصلی بخش ده مراغه

شماره های فرعی از ۳۹ اصلی واقع در بولالو بخش ده مراغه

۱-آقای جواد خیری خانیان فرزند جعفر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۸۶۱/۱۲ متر مربع بپلاک ۲۳۷ مفروز از ۱۱۲ فرعی از ۳۹ اصلی بخش ده مراغه

۲- آقای محمود جوانی فرزند احمد و حبیب جوانی جوانقلعه فرزند احمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بصورت نصفا و مشاعا به مساحت ۱۲۷۰ متر مربع بپلاک ۲۳۸ مفروز از ۳۹ اصلی بخش ده مراغه

شماره های فرعی از ۴۴ اصلی واقع در دانالو بخش ده مراغه

۱- خانم اکرم بختیاری فرزند محمدعلی وآقای امین برزگر فرزند فیروز وآقای محمد برزگر فرزند فیروز هر کدام بصورت دو دانگ از ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۱۸۸۱/۵۰ متر مربع بپلاک ۱۸۴۹ مفروز از ۴۴ اصلی بخش ده مراغه

شماره های فرعی از ۶۵ اصلی واقع در النجق بخش ده مراغه

۱-آقای عباس صادقی النجق فرزند غلامحسن نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۳۴۴۴/۳۴ متر مربع بپلاک ۲۱۳ مفروز از ۶۵ اصلی بخش ده مراغه

۲-آقای عباس صادقی النجق فرزند غلامحسن نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۷۴۹/۹۵ متر مربع بپلاک ۲۱۴ مفروز از ۶۵ اصلی بخش ده مراغه

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

سیروس قدرتی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان عجب شیر

شناسه آگهی: ۱۶۰۸۶۳۶

تاسیس، تغییرات شرکت

تاسیس شرکت با مسئولیت محدود اتصالات مکانیکی فولاد حجم درتاریخ ۳۱/۰۴/۱۴۰۲ به شماره ثبت ۵۸۱۴۱ به شناسه ملی ۱۴۰۱۲۴۲۹۶۷۰ ثبت و امضا ذیل دفاترتکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع فعالیت :تولید انواع اتصالات مکانیکی میلگرد - خدمات رزوه کاری میلگرد - خرید و فروش مواد اولیه و انواع آهن آلات - واردات انواع ماشین آلات صنعتی در حوزه تراشکاری و کالاهای مجاز - صادرات انواع محصولات و تولیدات شرکت و کالاهای مجاز - خدمات تراشکاری و فرز انواع قطعات - خدمات تعمیرات انواع ماشین آلات تخصصی در حوزه تراشکاری - تولید انواع قطعات صنعتی و قطعات خودرو - تامین و تهیه مواد اولیه کارخانجات - بازاریابی داخلی و خارجی غیر هرمی و غیر شبکه ای - ترخیص کالاهای شرکت از گمرکات - عقد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی در خصوص موضوع فعالیت شرکت - اخذ هر گونه ضمانتنامه از بانک ها و موسسات اعتباری به نام شرکت - شرکت در مناقصات و مزایده ها در رابطه با موضوع فعالیت شرکت - اخذ و اعطای نمایندگی به شرکت های داخلی و خارجی - مشارکت در پروژه های سایر شرکت ها - ایجاد شعب در نقاط مختلف کشور درصورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیربط مدت فعالیت : از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی : استان آذربایجان شرقی، شهرستان تبریز، بخش مرکزی، شهر تبریز، قراملک، بلوار (صنعت)، خیابان صنعت ۴ (جاده ایدم)، پلاک ۰، طبقه همکف کدپستی ۵۱۹۷۷۱۴۶۱۶ سرمایه شخصیت حقوقی عبارت است از مبلغ ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال نقدی میزان سهم الشرکه هر یک از شرکا آقای هاتف کاتبی عصر به شماره ملی ۱۳۷۷۳۷۷۲۰۲ دارنده ۳۳۳۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه آقای شهرام گهرنیا به شماره ملی ۱۳۷۹۱۶۴۴۰۰ دارنده ۳۳۴۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه آقای وحید حسین پور خاقانیلر به شماره ملی ۱۳۸۰۹۹۲۵۶۷ دارنده ۳۳۳۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه اعضا هیئت مدیره آقای هاتف کاتبی عصر به شماره ملی ۱۳۷۷۳۷۷۲۰۲ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود و به سمت نایب رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود آقای شهرام گهرنیا به شماره ملی ۱۳۷۹۱۶۴۴۰۰ به سمت مدیرعامل به مدت نامحدود و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود آقای وحید حسین پور خاقانیلر به شماره ملی ۱۳۸۰۹۹۲۵۶۷ به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت نامحدود و به سمت عضو اصلی هیئت مدیره به مدت نامحدود دارندگان حق امضا : کلیه اوراق بهادار و اسناد تعهدآور شرکت از قبیل چک و سفته و بروات و قراردادها و عقود اسلامی و همچنین کلیه نامه های عادی و اداری با امضای ضمنی مدیرعامل و رییس هیئت مدیره و نایب رییس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشند . اختیارات مدیر عامل : طبق اساسنامه روزنامه کثیر الانتشار سرخاب جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید. ثبت موضوع فعالیت مذکور به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد. اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان شرقی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تبریز (۱۶۰۸۶۳۶)

شناسه آگهی: ۱۶۰۶۶۲۷---م.الف: ۱۰۸۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان شرقی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک میانه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۲,۱۲۳۷۲ کلاسه ۱۴۰۱,۱۸۸۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک میانه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم اکرم بیرامی اونلقی فرزند نبی بشماره شناسنامه ۲۶ صادره از میانه در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۲۴.۲۶ متر مربع از پلاک ۳۱۸ فرعی از یک اصلی واقع در میانه بخش ۳۷ تبریز خریداری از خانم زهرا حسین زاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲,۰۹,۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲,۰۹,۱۵

حسن ترکیان رئیس ثبت اسناد و املاک

سرخاب
سَرخاب کهن محله‌ای است در تبریز که خزینه ادب، عرفان و هنر ایرانی است

روزنامه با گستره شمالغرب کشور (کثیرالانتشار)
■ صاحب امتیاز: شرکت مطبوعاتی سخن نگاران طوبی ■ مدیرمسؤول: سیدرضا علوی
■ سردبیر: کریم جمالی ■ زیرنظر شورای سیاستگذاری ■ نشانی دفتر مرکزی: تبریز، شریعتی جنوبی، کوچه ارک، پلاک ۲۴ ■ نشانی دفتر تهران: تهران میدان انقلاب- جمالزاده جنوبی پلاک ۱۴۶ -طبقه‌سوم واحد ۶ -کدپستی ۱۳۱۳۸۶۴۱۸۵ تلفن: ۳۵۵۵۳۵۳۸-۰۴۱ ■ ۶۶۴۹۱۶۰۱-۰۲۱ ■ چاپ: برنیان
http://www.sorkhab.ir sorkhab.ir@gmail.com sorkhab.ir

سخن روز

قانلی دیرناخلارینان «انگلیس» آل قاتدی بیزه
باخیسان «روس» دا آرازدان کئچیر ایران آپارا
آرادان بیرده بیزی بُؤلسه لر اربابلاریمیز
قورخورام قُویمیالار تبریزی ، تهران آپارا
قارا طوفان کی داخی خلقیله شوخلوق اِئله مز
سِئل گَرَک اِئل داغیدا، اِئو ییخا، ایوان آپارا
بو قارانلیق گئجه لرده قاپوموز پیس دُویولور
نه بیلیم ،بلکه آجَل دیردایانیب جان آپارا

شهریار

اذان صبح: ۰۵:۳۸:۱۷ — غروب آفتاب: ۱۷:۱۱:۰۳
طلوع آفتاب: ۰۷:۰۸:۱۶ — اذان مغرب: ۱۷:۳۱:۱۴
اذان ظهر: ۱۲:۰۹:۵۳ — نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۴:۴۰

میثاق نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاران در سایت روزنامه سرخاب ■ رتبه نشریه در طرح رتبه‌بندی نشریات: چهار

روزنامه سرخاب ■ سال هفدهم ■ شماره ۴۵۶۳ ■ چهارشنبه یکم آذر ماه ۱۴۰۲

فرهنگ

سایهٔ سیاست بر آیین بدرقهٔ نماد دغدغهٔ ایران

وداع با اسلامی نُدوشن و صندلی‌هایی که ناگاه خالی شد!

مهرداد خدیر

مهم‌ترین حاشیه آیین بزرگداشت زنده یاد دکتر محمد علی اسلامی ندوشن در تالار بزرگ مؤسسه اطلاعات را می‌توان خالی شدن نیمی از صندلی‌ها حین سخنرانی دکتر غلامعلی حداد عادل دانست. بازگشت آنان به تالار بلافاصله بعد از اتمام نطق او ولو به شکل نیمه تمام ماندن چاشت جای تردید باقی نگذاشت که چرا سالن را ترک کرده‌اند. این رفتار نشان داد که در ذهن ترک‌کنندگان وجه گرایش سیاسی آقای حداد بر صبغه دانشگاهی او چربیده است.

طبعا وقتی هم‌فکران او غیر از خودشان را خودی نمی‌دانند حاضران هم لابد لَختی به بیرون تالار رفتند تا مجلس خودمانی‌تر باشد مثل مجلس خودمانی‌تر شورا که در تدارک آن‌اند (و افسوس که به لحاظ دستوری نمی‌توان نوشت خودمانی‌تر «ترا»! که حق مطلب را بهتر ادا می‌کند)

مقایسه شدت تشویق شهرام ناظری که از قبول دعوت مجری امتناع کرد با نوع استقبال باقی ماندگان در تالار از سخنان حداد عادل هم مؤید دیگری بر مدعای بالاست.

به هر رو هیچ کس نمی‌تواند دو پاره شدن جامعه ایران را انکار کند و اتفاق روز دوشنبه ۲۹ آبان یکی از جلوه‌های آن بود. البته نباید از حق گذشت و صرف حضور این چهره شاخص اصول‌گرا را که در مقام رییس فرهنگستان زبان و ادب فارسی -و نه به سبب مناصب سیاسی- در مراسم حاضر شده بود باید مثبت دانست اما وقتی اصول‌گرایان بخشی از مردم ایران را خالص و مصداق تمام مردم ارزیابی می‌کنند از دیگر مردمان نمی‌توان انتظار همراهی داشت. به قول بابا طاهر: چه خوش بی مهربانی هر دو سر بی.

از نام‌های دیگر حاضر در مراسم می‌توان به دو شهردار پیشین تهران اشاره کرد. یکی محمد توسلی اولین شهردار بعد از انقلاب که در حال حاضر دبیر کل نهضت آزادی ایران است و دیگری پیروز حناچی شهردار سابق. از شهردار سابق دیگر- محمد باقر قالیباف - و شهردار فعلی - علیرضا زاکانی - البته خبری نبود.

هر چند آقای قالیباف در اردیبهشت پارسال و در جایگاه رییس مجلس شورای اسلامی و پس از درگذشت استاد از او با عنوان چهره ماندگار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگر نامدار کشور و استاد برجسته تاریخ تمدن و فرهنگ ایران یاد کرده و نقش او در جهت اعتلای زبان و شعر فارسی و پژوهش و تحقیق در زمینه ادبیات تطبیقی، نقد ادبی و همچنین ترجمه کتب خارجی را ستوده بود.

علی لاریجانی هم قبل از مراسم اطلاعات در آیین مقابل دانشکده ادبیات دانشگاه تهران حاضر شده بود. او هم ۱۲ سال رییس مجلس بوده و استاد دانشگاه تهران است.

در مراسم روزنامه اطلاعات بیش از هر نام دیگر غیبت سید محمود دعایی مدیر فقید و پرسابقه روزنامه به چشم می‌آمد هر چند قابل حدس است که اگر فضای سیاسی دیگر بود رییس جمهوری پیشین که مانند اسلامی ندوشن یزدی و بر خلاف دعایی در حیات است هم می‌آمد.

وصیت استاد فقید هم از چند منظر قابل توجه بود. یکی این که پیش‌تر تصور می‌شد خواستار آن است که در توس کنار فردوسی دفن شود اما به جای آن هزاران جلد کتاب خود را به آرامگاه واگذاشته و خواسته عواید حاصل از چاپ و فروش کتاب‌ها صرف گل‌کاری مسیر مشهد - توس شود. نویسنده این سطور به خاطر ندارد دیگری چنین وصیتی کرده باشد و همین نشان می‌دهد تا چه حد به زیبایی علاقه‌مند بوده است.

پیکر اما پس از تشییع امروز - سه شنبه ۳۰ آبان - در یزد روانه نیشابور می‌شود تا در کنار خیام و عطار آرام گیرد: چون روز محتوم فرا رسد جنازه مرا از دانشگاه تهران به نیشابور انتقال دهند و در دامنه خاک بینالود به خاک بسپارند. در خاک خراسان پرتاریخ و نیشابور بلاکشیده.

این که سلطان نثر پارسی شیفته خراسان باشد جای شگفتی نیست که برخی زبان فارسی را به واقع زبان خراسانی می‌دانند با این همه گوهر که در متن و بطن خود پرورانده است.

در میان چهره‌های سیاسی حضور سید محمود علوی وزیر اطلاعات دولت حسن روحانی هم قابل توجه بود. این که روزنامه اطلاعات به سرنوشت همتای خود دچار نشده و نرم‌خویی را از سر نینداخته البته نکته مثبتی است که سید عباس صالحی وزیر پیشین وجهه همت خود ساخته اما برای هر که در این مجموعه عظیم پا می‌نهد این پرسش هم شکل می‌گیرد که بین این همه امکانات و پرسنل با شمارگان و نقش و اثرگذاری روزنامه چه نسبتی برقرار است؟

زنده یاد اسلامی ندوشن همچنین از این حیث بخت‌یار بود که به همت شورای شهر پیشین نام خیابانی در حیات به نام او گذاشته شد و جالب این که کوچه مقابل در خیابان وصال هم به نام همسر او دکتر شیرین بیانی و او هم در حیات و البته نه به اعتبار همسری که به خاطر خود او و پیام زیبایی هم نوشته بود خاصه آنجا که به شعر کلیم کاشانی اشاره کرد:

بدنامی حیات دو روزی نبود بیش
آن هم کلیم با تو بگویم چه سان گذشت
یک روز صرف بستن دل شد به این و آن
روز دگر به کندن دل زین و زان گذشت

آن قدر این شعر بر دل و جان حاضران شیرین نشست که دکتر اصغر دادبه در ستایش شاعران فارسی گفت با این که کلیم کاشانی در قیاس با سعدی و حافظ و مولانا شاعر درجه اول به حساب نمی‌آید اما از درجه اول‌های دیگران بالاتر است و آنچه

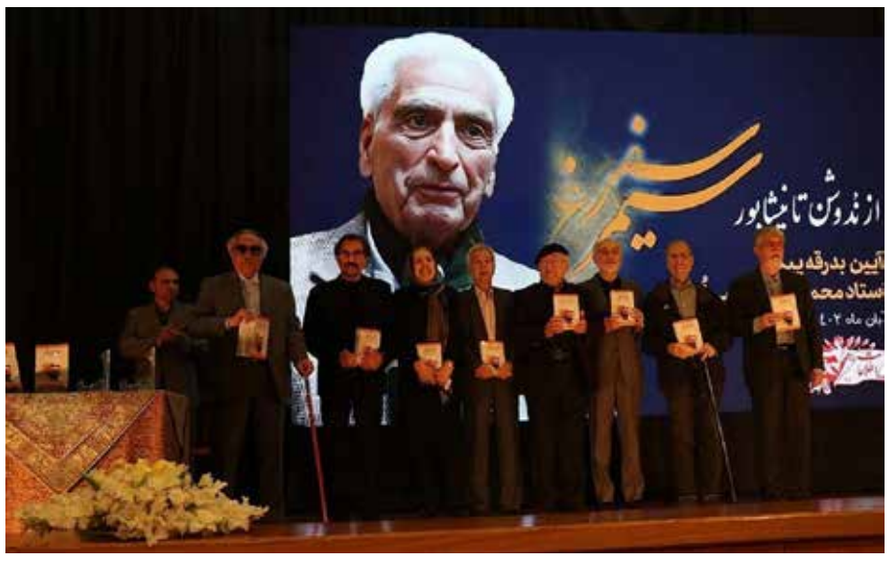

در این میان فراموش شد این بود که اسلامی ندوشن را با نثر می‌شناسیم نه با شعر.

عنوان برنامه (سفر سیمرغ) احتمالا به سبب انتقال پیکر او به نیشابور و در جوار عطار انتخاب شده بود اما بد نیست بدانیم اثر مشهور او در ۵۰ سال قبل «صفیر سیمرغ» است نه سفیر سیمرغ. سفرنامه‌های استاد بسیار شیرین و خواندنی است و حتی شرح خیابانی در کپنهاک درباره تنانگی‌ها و تن کامگی‌ها را با حیایی خاص بازگفته است.

سخن‌رانان به این موضوع اشاره کردند که ایران گرایی و ایران‌ستایی او از جنس دیگری بود و مراد این که نه رنگ وبوی سیاسی داشت (ناسیونالیسم) و نه فلسفی (ایرانشهر) و نه با اصرار بر شکوه ایران پیشااسلام (باستان گرایی) که بر این باور بود که هویت ما تلفیقی است.

دست آخر این که نوشته بودم چرا مشاهیر ما خارج از ایران می‌میرند؟ این که دست‌کم جنازه‌های برخی مانند دکتر مهدوی دامغانی و همین دکتر اسلامی مجال بازگشت می‌یابند فرخنده است.

برای این که تصور نکنیم اسلامی ندوشن از واقع گرایی و سیاست به دور بوده نقل بخش‌هایی از آنچه درباره دکتر مصدق نوشته بود خالی از لطف نیست:

«- مصدق نماینده آرزوی فروخوردهٔ مردم قرار گرفت که می‌خواستند کمر راست کنند، می‌خواستند از زیر بار تحقیر بیرون آیند. ایرانی موجودی است که مرد «نقطه اوج» است. سال‌ها تحمل می‌کند و چون فشار به نقطه نهایی رسید، وارد عمل می‌شود. چون در نهضت مصدق اصالت بود، مردم به حرکت آمدند. چندی ایرانی احساس غرور کرد، زیرا امید داشت که یوغ کهنه‌کارترین نیروی استعماری را به دور افکند.

- وی تصویر ایران را در خارج تغییر داده بود. دیگر ایران آن ایران رنگ و رو رفته نبود، که در اروپا و آمریکا با «ایراک» (iraq) اشتباهش بگیرند. پیش از آن عراق از ایران معروف‌تر بود، شاید برای آنکه ایران نام جدیدی بود، و کلمه پرس (perse) هم طنین خیلی کهنی داشت که به دورهٔ هخامنشی سر می‌زد. ایران در عصر جدید، کشوری بود که به گربه و قالی شناخته می‌شد.

اکنون دیگر روزنامه‌ها از ایران می‌نوشتند و رادیو از آن حرف می‌زد. دانشجویان ایرانی مقیم خارج نوعی احساس سربلندی داشتند، البته به غیر از توده‌ای‌ها و سلطنت‌طلبان که چوب لای چرخ می‌گذاشتند.

- ناصر و مردم مصر در زمان مصدق، نسبت به ایران همدلی بسیار نشان می‌دادند. رابطه دو کشور که هیچ‌گاه به صفای آن زمان نبود، پس از کودتای ۲۸ مرداد رو به سردی نهاد، و این سردی روز به روز غلیظ‌تر شد، و حتی در خلال آن، رقابت دیرینه عرب نسبت به ایران، تجدید مطلعی یافت و این درحالی بود که در میان ملل عرب، ایرانیان و مصریان نزدیکترین احساس را نسبت به همدیگر دارند. همین گونه بود رابطه ایران با هندِ نهرو. بعد از کودتا، نهرو هیچ‌گاه نظر دوستانه به ایران نیفکند، هرچند که بنا به مصلحت سیاسی یک بار به این کشور سفر کرد و آن هم ناراضی از آن بازگشت.»

جالب این که دکتر مصدق در اسفند ۱۳۴۴ خورشیدی خطاب به او نوشته بود:

«جناب آقای محمدعلی اسلامی ندوشن
دانشمند محترم و معظم
دو جلد کتاب «ابر زمانه و ابر زلف» و «سایه هما»، تألیف آن دانشمند محترم که برای این ارادتمند لطف فرموده‌اید، عز وصول، ارزانی بخشید و از این توجهی که فرموده‌اید نهایت امتنان، حاصل گردید. تشکرات خود را از الطاف مبذوله، تقدیم و توفیق جنابعالی را در راهنمایی و هدایت هموطنان عزیز خواهانم. دکتر محمد مصدق/ احمدآباد. اسفند ۱۳۴۴»

راستی هر چه چشم گرداندم نشانی از وزیر محترم و کنونی آموزش و پرورش ندیدم. نمی‌دانم آقای مراد صحرایی چه علایقی دارد ولی اگر قرار بر آموزش زندگی پاکیزه و نثر شسته و رُفته و ایران‌دوستی به نسل تازه باشد کدام الگو مناسب‌تر از اسلامی ندوشن؟

اگر قرار بر معرفی یک انسان خودساخته باشد که نیکوتر از او که قریب ۱۰۰ سال قبل که به شرحی که در مجموعه بسیار شیرین »روزها« آورده در روستایی بی هیچ امکانی زاده شد و در بهترین دانشگاه‌های دنیا تحصیل کرد و واجد عالی‌ترین مناصب قضایی و علمی شد؟

اسلامی ندوشن شیفته فردوسی بود و در جوار عطار و خیام آرام می‌گیرد اما در آخرین تصویری که از او در مستندی ثبت شده این سخن حافظ را یادآور می‌شود:

جهان و کار جهان جمله هیچ برهیچ است
هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق

وقتی حاصل همه تحقیقات امثال حافظ و اسلامی ندوشن چنین است ما چرا از پی هیچ در هم می‌پیچیم؟ از لحظه لحظه زندگی لذت ببریم که حافظ در پی هزار بار تحقیق به این نکته رسید که جهان و کار جهان جمله هیچ بر هیچ است و اسلامی ندوشن بعد از ۹۸ سال زندگی آخرین سخنی که گفت همین!

عصر ایران

تأمل

ترفند جدید ساسی مانکن برای جلب توجه ؛

خرج کردن از اسم ترانه علیدوستی !

نهال موسوی

از روز گذشته انتشار یک پوستر در صفحه اینستاگرامی ساسان حیدری یافته یا همان ساسی (ساسی مانکن) و نشان دادن تصویر ترانه علیدوستی و اعلام این که با او در یک فیلم به اسم «شیدا» همبازی شده‌اند، جنجال زیادی به همراه داشت.

ساسی یا همان ساسی مانکن نوشت: «رونمایی از پوستر رسمی فیلم شیدا، که افتخار اینو داشتم تا در کنار بزرگانی همچون خانم علیدوستی، و بازیگران مطرح سینمای ترکیه، ایفای نقش کنم، به خودم که خیلی چسبید، امیدوارم شما هم از دیدنش لذت ببرید»

کانال عصر ایران در تلگرام

بعد از این پست بحث و گفتگوی زیادی در این رابطه شکل گرفت و طبق معمول این قضیه بهانه‌ای شد تا هر کس از منظر خود به آن پرداخته و حدس و گمان‌های زیادی در این باره مطرح شد.

زهرا مینویی، وکیل ترانه علیدوستی اظهار داشت: «این همکاری به هیچ عنوان صحت ندارد، اخبار منتشر شده فاقد اعتبار و کاملا جعلی است.»

با این وجود ساسی همچنان به این قضیه اصرار دارد و در یک ویدئو کوتاه دوباره گفت: «اصلا به این حاشیه‌ها توجه نکنید، فیلمبرداری فیلم شیدا دو سال و نیم قبل انجام شده و در همین یکی دو روز آینده تیزر آن هم منتشر می‌شود و ...»!

کسانی که ساسی مانکن را بشناسند می‌دانند که او هر سال یک آهنگ بیرون می‌دهد که با هر ترفندی سعی دارد تا این آهنگ اصطلاحا «هیت» شود از کلمه انگلیسی Heat گرفته شده است، یعنی در میان مخاطبان محبوب شده و بسیار زیاد شنیده شود.

وقتی می‌گوییم یک موزیک هیت شده یعنی آن آهنگ میان مردم معروف شده و طرفداران زیادی به خود پیدا کرده است و هرجا می‌رویم درمورد این آهنگ حرف می‌زنند و آهنگ معروفی شده و اکثرا آن آهنگ را گوش می‌دهند و جز موزیک‌های مورد علاقه شان شده است.

شاید اگر بگوییم اکثر خوانندگان دوست دارند آهنگشان هیت شود اغراق نکرده‌ایم چون یک نوع شناسنامه

کاری برای آنها محسوب می‌شود، اما در این میان افرادی مانند ساسی هم هستند که جدای از ارزش موسیقایی اثر به ترفندهای دیگری دست می‌زنند، مثلا در سال ۱۳۹۹ موزیک ویدئو آهنگ "تهران، توکیو" او با حضور یک پورن استار مطرح نگلیسی پخش شد که باعث شد انتقاداتی زیادی به همراه داشته باشد اما همین اقدام باعث شد تعداد بسیار زیادی این موزیک ویدئو را ببینند.

یا در آهنگ جنتلمن با استفاده کردن از کلمات و عبارات نا متعارف و رکیک این آهنگ در میان قشر نوجوان و جوان بسیار شنیده شد.

یا در نمونه‌ای دیگر او سال ۹۹ ادعا کرد که به ایران بازگشته است و چند استوری در صفحه اینستاگرام خود از عکس بلیت، پاسپورت، کارت پرواز، فرودگاه امام و ... منتشر کرد که بعدا معلوم شد عکس کارت پرواز ساسی از تصویر یک کارت پرواز دیگر در گوگل ساخته شده و ویدئوهای او هم صداگذاری است.

این اقدام جدید او و حرف و حدیث درباره فیلمی ادعایی به نام شیدا که در ترکیه ساخته شده است، احتمالا از همان ترفندهای او برای جلب توجه آهنگی جدید است که در آینده‌ای نزدیک منتشر خواهد شد و از این طریق کلید هیت شدن آنرا زده است.

در این پوستر منتشر شده هم به جای اسامی عوامل فیلم مانند تهیه کننده، فیلمبردار، طراح صحنه، صدابردار و ... فقط اسم یک کمپانی آورده شده و از همین جا مشخص است که تمام داستان فیلم سینمایی و همباری شدن و ... جعلی و بی اساس است.

حدس و گمان بر این است که احتمالا با هوش مصنوعی و ویدئو سازهایی چون دیپ فیک و ... که چهره یک نفر را می‌توانند کاملا بر بدن یک شخص دیگر قرار دهند از چهره ترانه علیدوستی در موزیک ویدئو ساسی مانکن استفاده کرده باشند و ...

در جهان امروز و خصوصا برای افرادی مانند ساسی یک قانون همیشگی وجود دارد که "حتی بدنامی بهتر از گمنامی است" و هر یک سال یکبار سعی دارد که با هر تکنیکی - اخلاقی یا غیر اخلاقی - خودش را به صدر اخبار آورده و از این طریق آهنگش یا موزیک ویدئو یا همین برند اسم خود را برای مدتی بر سر زبانها بیندازد.

البته با توجه به شرایط خاص جامعه داخل ایران هم هربار به شکلی در این راه به آنچه می‌خواسته دست یافته است. متاسفانه!

دیده شدن و جلب توجه به هر قیمتی حتی تا این حد از بی اخلاقی که بخواهد از اعتبار بازیگری چون ترانه علیدوستی برای اهداف خود سؤاستفاده کند.

دفاع مقدس

فرازی از وصیت‌نامه شهید یوسف اسراری؛

در راه خدا قدم بردارید

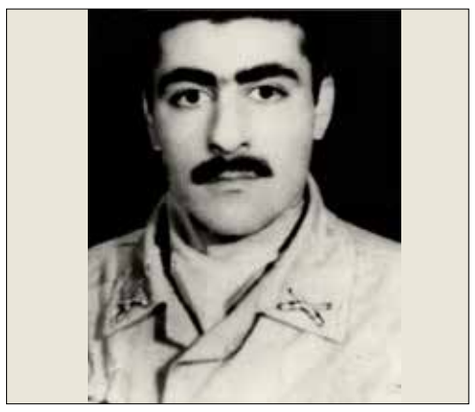

شهید یوسف اسراری در بخشی از وصیت‌نامه خود به خانواده‌اش توصیه کرده در راه خدا قدم بردارند و از کشور دفاع کنند.

شهید والامقام تکاور شهید یوسف اسراری سی ام خرداد ۱۳۶۴ در بانه به فیض شهادت نائل شد. در ادامه بخشی از این وصیت‌نامه را می‌خوانید:

از آن زمانی‌که من خود را شناختم، می‌خواستم از وطن خود دفاع کنم. مادر و پدرم، نمی‌خواهم شما را ناراحت کنم همه ما رفتنی هستیم، چه جوان و چه پیر.

مادر و پدرم قلب تو شکسته است و خواهرم ناکام از دنیا رفته است و من اگر خداوند قسمت کند از پیش شما خواهم رفت و به مقصود خویش همانا که رسیدن به نزد معبودم می‌باشد با شهادت پرواز خواهم کرد، اصلا غصه‌ی مرا نخورید، شما را به خدا می‌سپارم و بعد از من وصیتم به تمامی اهل خانواده‌ام این است که تا آخرین قطره خون، در راه خدا قدم برداشته و از کشور خود دفاع کنند و به تنها برادرم و خواهرانم وصیت می‌کنم همیشه نماز را بپا دارید حتما نماز شب بخوانید، و دیگر وصیتم به نور چشمم، برادر کوچکم، این است که تا آخرین لحظه زندگی مواظب پدر و مادرمان باش و همیشه با یاد خدا خداوند کارت را آغاز کن چراکه خداوند می‌فرماید الا به ذکرالله تطمئن القلوب.